

اطلاعیه
شاخه کردستان

پیرامون سیاست تخلیه
و انهدام روستاها
توسط رژیم جمهوری اسلامی

خلق قهرمان کرد !
خلفهای سراسر ایران !
کا رگران وزجمتگان و روشنفکران
انقلابی
سازمانها و احزاب مترقی و
دمکرات سراسر جهان !
رژیم جمهوری اسلامی که بیش
از پنج سال است از صبح جنایتی
در کردستان فروگذاری نکرده
است ، رژیمی که در طول پنج سال
گذشته ، جزگشتار و ویرانی و
انهدام خانه و کاشانه ، زحمتگان
خلق کرد ، ارمنان دیگری برای
آنها نداشته است ، اینک که بنا
تعمای تلافیای ارتجاعی و
مذبوحانه خود در برابر قدرت
اراده ، خلق نا پذیر خلق کرد به
زبان درآمده است ، و از رسیدن به
اهداف بلند خود نومید گشته است
در صفحه ۲

عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

طی یک عملیات کمین گذاری ۶ تن از مزدوران تامین جاده به هلاکت
رسیدند. و مقادیری سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاد.
طی یک عملیات جسورانه پایگاه جالده هی در منطقه بانه درهم
کوبیده شد.

در اثر انفجار مین پیشمرگان فدائی یک دستگاه خودروی ایفای دشمن
منهدم و ۷ تن از مزدوران به هلاکت رسیدند. در صفحه ۳

انقلاب مشروطیت و سیر پیشرونده تاریخ

۱۲ مردادماه ، روز اعلام
مشروطیت و روز نخستین موفقیت
جنبش توده ای در مقابل سلطنت
ارتجاع قرون وسطائی و استبداد
سلطنتی در تاریخ معاصر ایران
است ، سالروز پیروزی نخستین
جوانه های مدنیت اجتماعی بر
عقب ماندگی و تحجر پویشده
در صفحه ۲۱

۲۸ مرداد

سالروز فرمان جهاد علیه خلق کرد
تلاتی مذبوحانه
نسکستی مفتضحانه

در بیست و هشتم مردادماه
۱۳۵۸ رژیم جمهوری اسلامی
آشکارا برده ، فریب و ریا از چهره
خود برگشید و با فرمان جهاد
خسینی یورش گسترده علیه خلق
کرد را آغاز کرد. اهداف واقعی
حکومت جمهوری اسلامی که چیزی
جز سرکوب جنبش انقلابی
کا رگران و زحمتگان خلقهای
- اسر ایران نبود آشکار گشت
و به سرعت ذهنیت بخش وسیعی از
توده ها که نسبت به رژیم در توهم
فرو رفته بودند را درهم شکست.
رژیم با اجرای فرمان جهاد ،
جنگی راه خلق کرد تحمیل نمود
که سه ماه با شدت بی سابقه و
جناایتاری ادامه یافت. قبلا
نیز رژیم در سنج و ترکمن -
محرا درگیریهائی راه خلق کرد
و ترکمن تحمیل کرده بود ، اما
در ۲۸ مرداد یورش رژیم اسعاد
گسترده ای پیدا نمود.
رژیم هراسان از رشد آگاهی
سیاسی و مبارزاتی خلق کرد و
در صفحه ۵

اشتقاقهای موجود
اتحادهای آینده
تست آخر

از کجا باید آغاز کرد ؟ با چگونه برنامه ای و چرا ؟

استراتژی جنگی طبعا جزئی از
آن است و پیروزی در این عرصه
الزاما مستلزم بشرفتیهای
اساسی در سایر زمینه های این
جنبش است. و روی این مساله
تاکید نمودیم که جنبش انقلابی
خلق کرد در اساس استراتژی
جداگانه ای از استراتژی انقلاب
در صفحه ۹

ما قبلا پیرامون وضعیت
کنونی جنبش خلق کرد (وضعیت
عمومی و نقش و جایگاه آن در
جنبش سراسری خلقهای ایران)
سخن گفتیم و روشن ساختیم که
مساله اساسی امروز جنبش خلق
کرد ، حل گره گاههای استراتژیک
سازمان کهنی در عرصه های
مختلف فعالیت آن است که خود

رژیم جمهوری اسلامی و قیاحانه به اهالی چند روستا از روستاهای مزبور اعلام کرده است که هر چه زودتر خانه و گاو شانه خود را تخلیه نموده و آواره دشت و کوه کردستان گردند، و در غیر این صورت بمباران و قتل عام مزدوران خون آشام رژیم روبه رو خواهند گشت. به اهالی دهها روستای دیگر نیز اخطار نموده است تا قبل بهائیز روستاها را تخلیه کرده، به هرجائی که میتوانند متوانند نقل مکان کنند.

رؤیسم جمهوری اسلامی که از
تسلیم، دستگیری، آزار و شکنجه،
آحاد ملتیت گرد نتایج آبی نگرفته
است و نتوانسته است حمایت فعال
و بیدریغ آنها از پیشمرگان را
بکا هد و آنها را از طریق تسلیم
اجباری و غیره به مقابلۀ بسا
فرزندان پیشمرگ خود وادارد،
آخرین چاره خود را در تخلیه و
تخریب نقاط حساس کردستان
انقلابی یافته است. تا مگر بتواند

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در سرکوب خلق کردار زلف خود یعنی رژیم پهلوی عقب نمانده است و در طول پنج سال گذشته با ارتجاعی ترین و وسعاً نه تر پسین سیوره های ممکن به سرکوب خلقی کرد پرداخته است و در مقابل اراده آن مبنی بر حق تعیین سرنوشت خود ایستاده است و با تیوپ و تانک و خمپاره و زندان و شکنجه با خلق کرد سخن گفته است و در ارائه و عملی کردن طرحهای ارتجاعی همچون تخلیه و انهدام روستاها نیز طرح های موقو رژیم پهلوی را در صدد است به فرجام رساند. این طرح ارتجاعی که برای اولین بار در توافق ۱۹۷۵ الجزایر بین دولتین ایران و عراق در پشت درهای بسته مورد موافقت طرفین قرار گرفت و حوزه عمل آن شامل مناطقی بسا شعاع دهها کیلومتر از نوار مرزی هر کدام از طرفین مزبور می شد و هدف آن نیز جلوگیری از رشد و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد در هر دو کشور بود، به دلایل متعددی از جمله و مهمترین از همه رشد و اعتلای جنبش توده ای در ایران، درد دوران رژیم پهلوی صورت عملی به خود نگرفت و عقیم ماند، اینک یک بار دیگر از سوی رژیم جمهوری اسلامی مطرح گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که در طول حیات ننگین خود تا به امروز نتوانسته است این طرح ارتجاعی را عملی نماید، اکنون و در شرایطی به آن توسل جسته است که با تمامی تلاش های مذبحخانه خود در طول پنج سال گذشته و استقرار مذهب و هزاران پایگاه در سرتاسر کردستان نتوانسته است نه تنها موفقیتی در زمینه اعمال حاکمیت ارتجاعی خود بر خلق کرده دست آورد، بلکه در سرتاسر کردستان متناسب با گسترش پایگاه های خود هر روز بیشتر از روز پیش مورد حمله پیشمرگان خلق کُرد قرار گرفته است. رژیم تصور میکند با انجام این طرح ارتجاعی از تحرک پیشمرگان خواهد کاست،

این روستاها که اکثراً در منطقه مرزی "تالان" و "سوسانی" سردشت و "کمر" مرکزی قرار دارند، اکثراً روستاهایی را در بر می گیرند که علیرغم حتی تسلط رژیم بر برخی از آنها، از مراکز مهم تجمع پیشروگان و مقابلۀ خونین با یورش های مزدوران رژیم بوده هستند. رژیم با این سیاست ارتجاعی در حقیقت در مداخلۀ انتقام از اهالی بی دفاع این روستاها برآمده است و تصویری کند بسا تخریب این روستاها می تواند و خواهد توانست، زحمتگنان خلق کرد را از پافشاری بر اهداف انقلابی - دمکراتیک خود منبی بر رهایی از قید و بند ستم ملی و ایجاد جامعه ای دمکراتیک و انقلابی باز داشته و تحت انقیاد ظالمانه خود درآورد.

اما واقعیت های مبارزه کنونی و جنگ انقلابی در کردستان در طول پنج سال گذشته بر هر کسی آشکار ساخته است که هیچ کدام از سیاستهای ارتجاعی رژیم نسل یورشهای ارتجاعی و همه جانبدار نه قتل عام زن و مرد و کودک و پیر و جوان در روستاهای کردستان، نه بمباران و خمپاره و توپ باران شهرها و روستاها، نه گسترش هر چه بیشتر پایگاهها و نه تبعید و دستگیری و آزار و اذیت و اعدام مردم عادی و نسلک تسلیح اجباری شده های مردم و نه سربازگیری اجباری و غیره، هیچ کدام تاکنون نتوانسته است و نخواهد توانست خللی در اراده و خلق مبارز و قهرمان کرد وارد آورده آن را یک گام از پائینتری بر اهداف انقلابی - دمکراتیک خود بازدارد. و از همین امروز مشخص است که این سیاست رژیم نیز با شکست مفتوحانه دیگری روبه رو خواهد گردید.

عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

در اثر انفجار مین پیشمرگان فدائی یک دستگاه خودروی ایفای دشمن
سدم و ۷ تن از مزدوران به هلاکت رسیدند.

چون آمیز خود را با ویران
کردن خانه و کاشانه و مزارع
زحمتگان کردستان آشکار
ماختند. این گلوله باران هیچ
تلفات جانی و مالی در بر
نداشت.

امروز دیگر بر هیچکس
پوشیده نیست که نه گسترش
پایگاهها و نه یورشهای
پی‌درپی و گسترده و نه گلوله
باران چون آسای روستاها و
شهرهای کردستان و نه هیچ چیز
دیگری، رژیم جمهوری اسلامی
را در رسیدن به اهداف بلند
خود یاری نخواهد رسانید و این
رژیم ددمنش را هر روز بیشتر
از روز پیش و در تقابل آشکار
با اراده خلیفان پذیر خلق کرد
در با تلاق مرگ و نیستی نرسد
خواهد بود.

پیروز باد
مبارزه قهرمانانه خلق کرد!

هر چه گسترده تر باشد
اتحاد عمل نیروهای انقلابی!

مرگ بر
امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا و
پسایگاه داخشی!

سرنگون باد
رژیم جمهوری اسلامی،
سرقرار باشد
جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان چریکهای فدائی خلق
ایران - شاخه کردستان
۲۷ سرداد ۶۳

گوشه کردستان فریاد می‌زند و
بر سینه مزدوران رژیم جنگ
می‌نماید. امروز دیگر این
واقعیت انکارناپذیری است که
رژیم هر کجا که پانده است، با
گلوله و انفجار خشم خلق و با
هتله، مرگ و نیستی مواجه
گشته است.

در روز هفدهم سرداد ماه
نیز مزدوران رژیم پسین دق
پایگاه "چهره‌بی" و پایگاه
بشت "شالک" در محور بانه -
سردشت با سرنوشت محتوم رژیم
جمهوری اسلامی در کردستان
روبرو گشتند.

عصر روز هفدهم سرداد ماه
با انفجار مینی که توسط یک
دسته از پیشمرگان فدائی کاش
گذاشته شده بود، یک دستگاه
خودروی ایفا حامل مزدوران
رژیم به کلی منهدم گشته و به
داخل دره سقوط کرد و هفت نفر
از سرنشینان آن به هلاکت
رسیده، دویز دیگر زخمی شدند
که یکی از آنها فرمانده پایگاه
"چهره‌بی" بود.

به دنبال انفجار مین
پیشمرگان فدائی، مزدوران
مستقر در پایگاه "چهره‌بی"
چون همیشه سراسیمه و هراسان
تمامی منطقه را به تسوی و
خمبارا بستند و ترس و وحشت

رژیم جمهوری اسلامی بر هر
کجای کردستان که قدم می‌گذارد،
با اراده متحد خلق گسرد و
پیشمرگان قهرمان آن روبرو
می‌شود. او با تمام تجهیزات
و برانگر خود، با خیل نیروهای
انسانی خود اعم از جاشو
با سدار و قبیادهای و ارتشی،
اگرچه قبل از ورود به هروجب
خاک کردستان قهرمان دهها سال
انجا را به شجاع دهها کیلومتری
می‌گوید و خانه‌ها را ویران
می‌کند، زنان و کودکان و
بیرمردان را قتل عام می‌کند.
تا با ایجاد رعب و
وحشت، زحمتگان خلق کرد را
از مبارزه برای تحقق آرمان
انقلابی خود و حمایت بی‌دریغ از
پیشمرگان قهرمان، این
فرزندان سلحشور کردستان، باز
دارد. اما واقعیت‌های
سرخست مبارزه کنونی هر روز و
هر ساعت و با قدرت هر چه بیشتر
اراده خلیفان پذیر این خلق
قهرمان را آشکار ساخته و آرمان
حق طلبانه و دمکراتیک آن را
در غرض سلسلهای پیشمرگان،
در انهدام پایگاههای مزدوران
رژیم و در ضربات پی‌درپی بر
آنها از طریق مین گذاری در
سیر تردد آنها و غیره، در هر

عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

طی یک عملیات جسورانه پایگاه جالده‌هی در منطقه بانه درهم
گوشده شد.

کم کرده، دیوانه و ارباب هر طرف
خلیگ می‌کردند. در همین اثنا و
در شرایطی که هنوز مزدوران رژیم
در تکان پی‌بودند، تیم دیگری از
پیشمرگان حمله محدود را به
پایگاه شروع کرده و برای بار دوم
پایگاه را مورد تیربارن قرار می‌دهند.
در جریان این عملیات
جسورانه که یک ساعت به طول
انجامید، تعدادی از مزدوران
کشته و خسارات زیادی به پایگاه
وارد آمد و پس از اتمام آن
پیشمرگان سالم و پیروز ماندان
به پایگاههای خود بازگشتند.

توجه

لوگان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
را بنه

دو پایگاه دشمن "گوزلی" و
باقوب‌ناوا (معقوب‌آباد) را
مورد حمله قرار می‌دهند.
تیم اول پیشمرگان به محض
نزدیک شدن به پایگاه، کمین
مزدوران را کشف و زیر آتش
سلاحهای خود می‌گیرد. همزمان با
آن تیم دیگر خود را به ۲۰ متری
پایگاه دشمن رسانده و آتشی
و سلاحهای سنگین پایگاه را به شدت
می‌کوبد. این عملیات به حدی
عافل کننده و سرنوشت‌آلودگی
مزدوران رژیم دست و پای خود را

طی عملیات متهورانه‌ای
پایگاه مزدوران رژیم واقع در محور
حاده‌بانه - سردشت توسط
پیشمرگان قهرمان سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران
در هم گوشده شد.
این عملیات در ساعت ۷
بعد از ظهر روز ۶۳/۵/۲۷ انجام
گرفت که طی آن یک دسته از
پیشمرگان قهرمان سازمان طبق
سرنامه طرح‌ریزی شده، سراسیمه
از چند پایگاه دشمن، از سه طرف
پایگاه "حاله‌هی" واقع در بین

عملیات قهرمانانه پیشمرگان فدائی

فی یک عملیات کمربندگذاری ۶ تن از مزدوران تا صبح جاده به هلاکت رسیدند. و مقادیری سلاح و مهمات به دست پیشمرگان افتاد. از صبح ۳

در سوم مرداد ماه ۱۳۶۳
پیشمرگان فدائی با همکاری
پیشمرگان حزب دمکرات کردستان
ایران، طی عملیاتی هماهنگ در
منطقه بانه مزدوران رژیم
جمهوری اسلامی را زیر رگبار
آتش مسلسلهای خود گرفته، ضربه
خرد کننده دیگری را بر آنها
وارد ساختند و
رژیم جمهوری اسلامی را یک بار
دیگر با آئینه ای که در هوس
گوشه کردستان در انتظار اوست
روبه رو ساختند...

رژیم جمهوری اسلامی که با
مردان مکاران گسترده و با تمامی
توان خود میگوید در کردستان
قهرمان به اهداف بلید خود دست
- باید و برای رسیدن به
اهداف خود از هیچ کاری
فرود گذاری نمی کند، با تمامی
تجهیزات و نیروهای انسانی که
در صحنه کردستان در خدمت
سیاست ارتجاعی خود گرفته است
نه تنها نتوانست در اراده
خلق قهرمان کرد سینی بر رهایی
از ستم ملی و ایجاد جامعه ای
دمکراتیک، کوچکترین خللی
وارد آورد، بلکه هر روز
بیشتر از روز پیش خود را در
بافتن جنگی درگیر ساخته است
که برای او هیچ چشم انداز روشنی
در آن وجود ندارد. رژیم دهها
و حتی صدها هزار نفر را در گوشه
و کنار کردستان در جاده های آن
در کوچه ها و در تمامی شهرهای آن
سفر ساخته است. به تصور
این که از این طریق بتواند
تردد پیشمرگان مسلح خلق کرد
را کنترل نماید. و محدود سازد.
ولی در عمل رژیم در هر کجای
کردستان که پا گذاشته است به
خدنی برای گلوله های پیشمرگان
قهرمان خلق کرد تبدیل شده
است و عملاً پای خود را بر روی
گلوله های مذاب پیشمرگستان
نهاده است.

روز سوم مرداد ماه نیز
پیشمرگان سازمان جریکهای
فدائی خلق ایران به همراه
دستهای از پیشمرگان نیروی
شهبان وردی (دنده شیبند
رحمان غفوری) طی یک عملیات

قهرمانانه و برنامه ریزی شده،
از ساعت ۵ با مداد جاده شوی-
نژو در منطقه بانه را تحت
کنترل خود در آورده، به کمین
مزدوران رژیم نشستند و در ساعت
۹ با مداد تا صبح جاده را به زیر
آتش مسلسلهای خود گرفتند و
همزمان با این حمله قهرمانانه
دستهای دیگر از پیشمرگان نیز
با یگانه نژو را زیر رگبار
سلاح های خود گرفتند. این
حمله هماهنگ چنان مزدوران
رژیم را سرسیمه و غافلگیر
ساخت که امکان هرگونه
عکس العملی را از آنها سلب
نمود.

طی این عملیات جسورانه،
۶ نفر از افراد تا صبح جاده
به هلاکت رسیده، و تعدادی از
آنها زخمی گردیدند. که هویت
۲ تن از کشته شدگان به نامهای
فاضل جمشیدی فرمانده، بیج
با یگانه نژو اهل سربند ۲ و
حسین تربیتی سبجی شناسایی
گردید.

علاوه بر مزدورانی که در
کمین پیشمرگان به هلاکت
رسیدند، در حمله به با یگانه نیز
تعدادی از آنان به هلاکت
رسیدند و زخمی شدند که به
تعداد آنها اطلاع دقیقی در
دست نیست.

در این عملیات غنائم زیر
به دست پیشمرگان افتاد:

- ۱- ۳۰ قفسه
- ۲- ۳۰۰۰ کتاب
- ۳- فشنگ ۳۰ ۱۲۰ عدد

بعد از این عملیات
قهرمانانه، در حالی که
مزدوران رژیم از هر گوشه ای به
تکاپو افتاده بودند و سراسیمه
اطراف خود را به نوب و خمپاره
سته بودند، تمامی پیشمرگان
سالم به با یگانه های خود
بازگشتند.

تمامی واقعات های کنونی
حملات روز افزون و جسورانه
پیشمرگان خلق کرد دیگر آشکار
ساخته است که کمین پیشمرگان
حمله آنها به با یگانه های دشمن،
سین گذاری بر سر راه تیردد
مزدوران آن و ... عملیات

با یگانه ها و مراکز استقرار رژیم
را به زندانهای مرگ تبدیل
نموده است. رژیم جمهوری
اسلامی که خود ارمغانی به جز
کشتار و بیماران و ویرانی
برای خلق کرد نداشته است و
تمامی ملاحضاتی جینی خود را
برای تجدید و احیای ستم ملی
در کردستان به کار گرفته و
میگیرد، اینک روزی نیست که
خود به آماج کینه نژودان خلق
کرد تبدیل نگشته، ضربات
خرد کننده ای را نوش جان نکند
و ضربات پی در پی و تشرک
روز افزون پیشمرگان گویای این
واقعیت است که رژیم هیچگاه
نخواهد توانست به اهداف بلید
خود دست یابد.

بیروز بباد
مبارزه قهرمانانه خلق کرد!
هر چه مستحکم تر بباد
اتحاد عمل نیروهای انقلابی
علیه رژیم جمهوری اسلامی.
مرگ
امپریالیسم جهانی بدرگردد
امپریالیسم آمریکا و
بسیار یگانه داخلی.
سرتشون بباد
رژیم جمهوری اسلامی
سرفراز بباد
جمهوری دمکراتیک خلق!

سازمان جریکهای فدائی خلق
ایران - شاخه کردستان
۶۳/۵/۲

کتابخانه مرکزی سازمان
فدائی خلق ایران
واحد انتشارات و نشر

کمکهای
مالی دریافت شده

ندرا بیون ترکیه مارک
۲۶۰۰

۲۸ شهریور

شهریور فرزند جبار علیه خلق کرد
از صفحه ۱

تا شهر مبارزات آن در سراسر ایران و جنم انداز همبستگی کارگران و زحمتکشان خلقهای تحت ستم ایران با خلق قهرمان کرد فرمان جهاد را صادر نمود و اقدام جنایتکارانه خود را تحت پرورش های دروغین و با انگاه به عقب مانده ترین بخش توده ها به پیش برد. هدف اصلی پیورش رژیم تسخیر شهرهای کردستان و جلوگیری از تسلیح توده های رزق و ارتقاء آگاهی توده های خلق کرد و تحت کنترل درآوردن کردستان بود که به دستگیر مستحکم دفاع از دستاوردهای قیام مبدل گشته بود. طی همان چند روز اول حمله سراسری رژیم به کردستان صدها تن از مردم سی دفاع که اغلب از زنان و کودکان بودند در زیر رگبار هلی کوپترها و خمپاره باران شهرها به شهادت رسیدند. در مدت کوتاهی ترور و سرکوب اسباب وسیعی به خود گرفت. دادگاه های چندده قبیله ای خلاقی جنایتکار برپا گردید و فرزندان انقلابی خلق کرد در شهرهای مختلف دست بسته در برابر جوخه های آتش قرار گرفتند. رفقا فدائیان خلق، یوسف کشی زاده، اجیره های قدیمی سازمان و مبارز خستگی ناپذیر در زندانهای شاه، شیریار و احسن ناهید، جمیل یغالی، آموزگار هرمز گرجی بیانی، دکتر ابولقاسم رشوند سرداری بزرگ انقلابی و دهها تن دیگر از رفقا و هواداران سازمان و دیگر نیروهای انقلابی به اتهام سازش ناپذیری و دفاع از آرمان انقلابی کارگران و زحمتکشان خلق کرد به جوخه های اعدام سپرده شدند. یورش ۲۸ مرداد به کردستان انقلابی ترسو و خست رژیم از گسترش قدرت عمل توده ها را آشکار ساخت. در طول مبارزه برای سرنگونی شاه، انقلاب توده های زحمتکش را در سراسر ایران به جریان مبارزه گشاده بود و شور و شوقی را در درون آنها بیدار کرده و خواست و آرمانیهای سرکوفته آنها را به سبیل بنیان کنی مبدل ساخته بود و در جریان توفنده خود، دیگهای توری پیلوی را به گور

سپرده بود. توده ها گمان می بردند و انتظار داشتند تا هر آنچه که در دوران شاه سرزنده گیشان سایه افکنده بود و با آنها با درد و زجر فشار مضاعف آن را تحمل می نمودند، با واژگونی رژیم پهلوی به گور سپرده خواهند شد. توده ها بی عدالتی اجتماعی و ستم ملی را در وجود رژیم پهلوی متبلور می دیدند و بنا بر میان رفتن آن، خواهش ها را بودی تمامی مظالم سرکشی و ممانعی بودند که رژیم شاه مظهر عیان آنها بود.

خلق قهرمان کرد نیز که همچون خلقهای سراسر ایران، با هدف از میان بردن شرابسط نکبت بار زندگی در جاده ای که در آن از همه حقوق و آزادیهای دمکراتیک خود بی بهره مانده بود و علاوه بر تمامی ستمهای موجود، ستم ملی نیز بر پشت او سنگینی می کرد، به پا خاسته و همچون گذشته در شان خود در مبارزه علیه رژیم پهلوی قاطعانه به پیش تاخته بود و در طول نخستین ماه های بعد از قیام برای کسب حق تعیین سرنوشت و از میان برداشتن نابرابریهای موجود، بنا بر انتهای دیرینه و ارزشند مبارزاتی خود، به پا خاسته و با تسلیح عمومی کنترل تمامی شهرها و مناطق کردستان را در دست گرفته بود. خلق کرد با تمامی شور و مبارزاتی به ارتقاء و گسترش دستاوردهای قیام پرداخته بود و در طول چند ماه عمر رژیم جمهوری اسلامی با درگیریهای پراکنده با آن برخاسته بود و همچون دیگر خلق های تحت ستم ایران که از ستمی چندین ساله رنج می برد، پس از سالها حقارت و سرکوب مقهور و غده و وعده های سران رژیم جمهوری اسلامی نگشته و بنا بر اعتمادی به رژیم خمینی قاطعانه در مقابل آن ایستادگی نموده بود.

رژیم که از همان ابتدا فاقد کوچکترین پایگاهی در بین توده های خلق کرد نبود کوشید تا با به راه انداختن دارو دسته های وابسته خود و جذب مزدوران محلی، افرادی را بسط دروغ نمابندگان خلق کرد معرفی نماید تا شاید بتواند در مسیر خواستهای توده های زحمتکشی انحراف ایجاد نموده و بسط اهدافش دست یابد. اما جنبش انقلابی در کردستان هر روز اوج تازه ای می یافت و شکوه مندتر

از پیش و با آموزش از تجارب تلخ گذشته پایه هایش را مستحکم می ساخت و بر اهداف انقلابی دمکراتیک خود هر چه بیشتر با فشاری می نمود و بدین ترتیب به در مستحکمی علیه هرگونه بازگشتی به وضعیت نکبت بار گذشته مبدل می گردید و این همچون خاری در چشم رژیم که خواهان احیای گذشته در پوشش انقلابی به نام مردم علیه مردم بود، فرو می رفت. این بود راز درونی جنون نهفته در فرمان جهاد خمینی و دارو دسته او حمله گسترده به کردستان، حمله به آزادیهای دمکراتیک توده ها و حقوق منتج از قیام بهمن بود که رژیم از همان فرای به قدرت رسیدن گام به گام در جهت سلب آنها قدم برداشته بود. به همین دلیل یورش رژیم تنها به کردستان محدود نگردید و عملاً سراسر ایران را دربر گرفت و اسباب جنون آسای آن حتی توده های متوهم را نیز گنج و سهوت ساخت. حکومتی که با وعده آزادی به میدان آمده بود، خود به ذبح آزادی پرداخت. حکومتی که در عمل پای خود را جای پای رژیم گذشته می نهاد و بر علیه زحمتکشان کردستان فرمان جهاد صادر می کرد، نه تنها حقوق حقه آنها را به رسمیت نمی شناخت، بلکه پاسخ خود را با ستون نظامی، هواپیماهای بمب افکن و توپ و تانک روانه خانه و گاشانه خلق کرد می نمود.

حمله به کردستان، حمله به انقلاب بهمن و دستاوردهای آن بود. اولین پاسخ همه جانبه رژیم خمینی به خواست عمومی زحمتکشان خلقهای سراسر ایران بود و به عنوان نقطه عطفی در ستمگری قطعی رژیم جمهوری اسلامی که از همان آغاز راه و مسیر حرکت آن روشن بود، محسوب می گردید. اما این حمله با تمامی انعقاد جنایت بار آن با شکست قطعی مواجه گشت و رژیم نه تنها قادر نگشت مبارزه انقلابی دمکراتیک خلق کرد را سرکوب نماید بلکه خود زمینه های عینی و ذهنی رسوایی هر چه بیشتر مایهست ضد انقلابی خود را فراهم ساخت و ناچار به عقب نشینی گردید. مقاومت دلیرانه و با ایستاداری فرور آفرین خلق کرد در برابر یورشهای ناشستی رژیم، شرکت در صفحه ۶

۲۸ مرداد

شیرازیان جهاد علیه خلق کرده
از صفحه ۵

وسیع و حمایت مادی و معنوی مردم از جنگ سرنوشت و نبرد سنگر به سنگر فرزندان قهرمان خلق کرد با خیل عظیم نیروی سرکوبگر اعم از پاسداران و قیادهای ارتش به فرماندهی مهره های ارتش شاهنشاهی و مرنجینی چون چمران (یکی از مسببین کشتار فلسطینیان در تل - زعتر) و تاثیرات مستقیم مقاومت حماسی خلق کرد بر روی توده های سراسر ایران باعث گشت تا رژیم به عقب نشینی تن دهد و از موضع تعرضی به موضع تدافعی دربیافتد و با اعلام آتش بس تن به مذاکره بدهد.

عجز رژیم و ورشکستگی سیاسی و نظامی اش، نشاننده شکست او در مقابل اراده استوار توده های انقلابی بود که هیچ چیز حتی سبانه ترسین سرکوب و کشتارها هم نتوانسته بود ظلی در آن ایجاد نماید. عقب نشینی رژیم در مقابل اراده انقلابی توده ها اگرچه موقتی بود و ضد انقلاب تلاش می کرد تا فرمتی دیگر به دست آورد و تمامی نیروی جهنمی خود را برای پورشی گسترده تر به کار اندازد. لیکن گام بزرگی برای جنبش انقلابی خلق کرد و در نتیجه تمامی خلقهای ایران بود و بیانگر این امر بود که قدرت متحد توده های زحمتکش چگونه می تواند حتی بزرگترین پورش های ارتجاعی را به شکست قطعی بکشانند.

توده های متحد شده خلق کرد که طی سالها سنگینی بسیار طاقت فرمای ستم ملی و طبقاتی را بردوش می کشیدند، هرگز حاضر به ادامه زندگی در چهارچوب مناسبات و نظم ارتجاعی و پوسیده موجود در کردستان نبودند و برای نابودی این نظم ارتجاعی به مبارزه برخاسته بودند، به زودی به توطئه ضد انقلابی رژیم پی برده و به افشای آن پرداختند و از اهداف سرکوبگرانه و تدارکاتی که رژیم برای یورشهای آینده فراهم می نمود، پرده برداشتند. لیکن درهمین عقب نشینی جنبش انقلابی خلق کرد رشد سریع و

روزافزونی نمود و آگاهتر، مسلح تر و مصمم تر و با استفاده از تجربیات جنگ گذشته بر آرمانهای انقلابی خود با فشاری نمود و جنبه های رادیکالتری به خود گرفت و سازماندهی عظیمی را برای نیروهای آینده (که تاکنون با قدرت تام و تمام ادامه دارد) را به انجام رسانید. یکی دیگر از دستاوردهای مهم شکست "جهاد" رژیم، رشد و ارتقاء جنبش توده ای در کردستان بود که به دنبال خروج نیروهای رژیم از شهرها، خود را در تشکلهای خاصی توده ای هم چون بنکدها و غیره آشکار ساخت. یکی دیگر از دستاوردهای این پیروزی موقتی اتحاد عمل نیروهای سیاسی در برخورد با رژیم و تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد بود که با ارائه طرح مشترکی برای مذاکره با رژیم ضمنی طرحی که در شرایط آن روز - آذر ۱۳۵۷ یک شخص سرخوردار بود و مضمون انقلابی این جنبش عظیم را منعکس می نمود و تبلور اراده یک پارچه کارگران و زحمتکشان خلق کرد بود.

هیات نمایندگی خلق کرد، خواست حق طلبانه جنبش انقلابی را به رژیم دیکته نمود و رژیم در هراس مرگی، از این خواست که هیات تنگین و اهداف بلند او را که همانا سرکوب جنبش انقلابی و دفاع سرخشان از منافع زمینداران و سرمایه داران در منطقه وحامی و حافظ بنیان نظم ارتجاعی موجود بود، آماج خود قرار داده، در تدارک جنگی برآمد که امروز پس از گذشت پنج سال هنوز در تهاجمی عرصه ها و در سرتاسر خاک خونین کردستان با شدت ادامه دارد و نه تنها رژیم را به اهداف خود نرسانده است، نه تنها بر اراده استوار خلق کرد ظلی وارد نساخته است، بلکه عزم بولادین توده های زحمتکش خلق کرد را برای احقاق حقوق حقه خود هرچه بیشتر جزم کرده است. نه تنها جنبش خلق کرد تضعیف نگشته است، بلکه هر روز بیشتر از روز پیش منجم گشته و به قدرت خارق العاده ای در مقابل با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

در مبارزه برای سرنگونی آن مبدل گشته است.

* * * *

بیتناکم

بیتناکم...

تا شو روزی، هزاره کان

مازی خنده، راو شه کن

بؤ لیری لادی و شاره کان

که شهوم دی ...

شهوا ... منیش، وهکو شهوان

وهکو شهی، گلته گهتیم...

وهکو شاره قه و ناوجهوان

لدهاخواه، بیتناکم...

بیتناکم

بیکه نینم، هه رگیز شایی

تابه جوی خوم نه نینم

له هه لاتی

لایاوی ناگر بزیینی ...

جهوا وه کان ...

راسته ونوه و یاخی بونی

دیل و شهونو جه ما وه کان

شه پچرینی، کوژ و زنجیر...

را شه مالی.

گه نچینه ی سرما به داره کان

که شهوم دی

شهوا ... منیش

گه رم ... به تاو

بهسته نه لیم ... پی شهکنم.

له دیار کوژ و بهندی شکاو

مه دولله به شیرو



گومله

مشکل دیروز...

از صفحه ۲۲

خود جای بحث دیگری دارد! اما آدم وقتی که به درد دل های جگر خراش گومله در این زمینه کوشی فرامی دهد، یاد بیچاره دن کیسوت مرحوم می افتد، که با سلاح تخیلات خود به جنگ ادعیه و اوراد شیطانی می شتافت و مضحکه خاص و عام می گردید و از هر "فتح ظفر نمونی" که با پرچم پیوسته و فرق شکافته بر می گشت، به رجز خوانی جدیدی پناه می برد و احساس می کرد بر ناف زمین ایستاده است و بدون وجود ذی وجود او، جهان از سر پیس دی پاک نخواهد گشت. و رسالت او، فتح مرزهای فتح نشده، تر و بدی از طریق مبارزه با غول های خیالی است و یکبار دیگر به افسانه های تروون سیری شده پناه می برد و در تلبیلی طور آنهسا غوغا ور شده غرق شادی می گشت. و نوشداروی موفقیت خود را از مردگان بر می گرفت و واقعیت را و امی نهاد و دوباره روز از نو، روزی از نو.

حال و روز گومله هم از دن کیسوت ساده لوح چیزی کم ندارد، او که در دوران گذشته مشغول پیچیدن نسخه های سهند و تکرار ادعیه و اوراد این محفل روشنفکری در میان دهقانان کردستان، به نام "مارکسیسم انقلابی"، "کمونیسم" و "تبلیغ کمونیستی" بوده است و پرچم از رونق افتاده، "مبارزه با بولیولسم" و "سبک کسار بولیولستی" را، از قهرمانان فاقد هویت و دن کیسوت های محافل مبارزه با "سبک کسار بولیولستی" دریافت داشته و پس از این بانتهب "جهگمانی" گفته اند توده هانمی فهمند و "جهگمانی از اشاعه، علنیسی کمونیسم می ترسند" بدون آنکه درک کنند محبت بر سر شیوه چنین تبلیغی است! مبلغین خود را به میان دهقانان فرستاده بود که با خطابه های آتشین، درباره مفاهیم شام "کمونیسم" "اشتمار"، "پرولتاریا" به شیوه خاص خود و بدون دیقطنیدن به "سبک کار بولیولستی" و عطف توجه به شناخت ذهنیات و ظرفیت عینی توده ها مشعل کمونیسم را

در بر تو سلسل های دهقانان افروخته بگرداند تا او با تکیا به "زادخانه" شوریک خود یعنی محفل "سهند" انترناسیونال نویسی را در جهان پایه گذاری نماید و نسه تنها کردستان و ایران بلکه تمامی جهان را به زیر سیادت اما مزاده کمونیسم - که تاکنون کسی به رویت آن موفق نشده است و در پیستوی شوریک سهند و آتش سلاح های گومله کشف گردیده است - مستفیض گرداند، اینک دست و پای خود گومله را در پوست گردو گیرانداخته است که هیئات "اعتبار مبارزاتسی گومله" دارد، و شقه، "تبلیغ غیر اصولی" می شود و مبلغین او که با نوشداروی سهند به جنگ تباهی رفته اند، به جای "اقتناع" توده ها به "اعلام موضع" در قبال آنها و به "ساکت" نمودن و وادار کردن آنها به سبک کسار انداختن، برداخته اند. و بدین وسیله "سبک کار پرولتاریائی" فاضلان سهند را با ولخرجی از کسبه "اعتبار" گومله (که چند مباحی نیست ادای کسک را در می آورد)، غنلی ساخته اند.

اگر گومله در همین حدم اشکالات ناشی از عدم تعادل و بی وزنی سیاسی - ایدئولوژیک خود را درک کرده باشد گام مثبت و مهمی به پیش برداشته است. ولی گومله که تا دیروز شعارها و امیال درونی یک محفل ورشکسته، روشنفکری را بر گرفته، پیاده کرده و دچار مشکلات عدیده گشته است و در عمل "سبک کسار پرولتاریائی" و "تبلیغ کمونیستی" آموزگاران فاضل او با شکست روبرو شده است، باید دید، چگونه با معضل خود برخورد نموده است و چه راه حلی دریافت داشته است؟

گومله اینک یک جرفش ۱۸۰ درجه ای کرده و آن روی سکه دیروز خود را امروز به مبلغین خود تحویل نموده است و اعلام کرده است برخلاف "سبک کسار پرولتاریائی" و "تبلیغ کمونیستی" دیروز او، امروز هر عقیده نوی را که توده ها بپذیرند کمونیستی است و با این افاضات فی البداهه هم را انگشت به دهان و حسرت زده ساخت است، مخصوصاً مبلغین ساده لوح خود را، به ویژه زمانی که می شوند گومله می گویند "مبلغ ما همواره باید به یاد

داشته باشد که تنها عقاید نوی که می تواند توده گیر شود، عقاید کمونیستی است". از غم بود می پرسند پس چرا تا به حال این عقاید "نو" و "ساکت" آنها توده گیر نشده است. اما آنها اگر کمی تامل کنند شیوع یافته در چنین اصل مهمی را می توانند به راحتی کشف نمایند.

به زعم گومله و شوریکین - های سهند، هر عقیده ای را تنها به صرف نبودن و توده گیر بودن باید کمونیستی قلمداد کرد و تنها چنین عقایدی (یعنی کمونیستی) نیز هستند که توده گیر می شوند و لاغیر و غیر عقیده ای که توده گیر شد (چون خلعت عقاید کمونیستی گومله تنها بودن در این زمینه است) آن را نیز می توان کمونیستی قلمداد کرد. گومله در این زمینه این بار با "سپراخداختن" در مقابل ذهنیت توده ها برخلاف آوا شوریک و بی اعتنائی دیروز خود در برخورد به ذهنیت آنها، امروز آنها را تشنه می تارد که از حزب توده شم چندگانه سی جلوتر میزند. مرحوم حزب توده مستقد بود چون توده ها جمهوری اسلامی را قبول دارند پس جمهوری اسلامی انقلابی است. اما طبق تز گومله باید گفت، این جمهوری عظیم الشان کمونیستی هم بوده است چون توده ها آن را قبول داشتند و تنها عرق اساسی که گومله و شوریکین های فاضل او را از آن مرحوم جدا می کند گویا علاوه بر اختلاف بالا، بر سر صحت نو بودن و کینه بودن عقاید سهند توده گیر است. اگر این مسئله را نیز در نظر بگیریم که "نو" بودن عقاید برای گومله و فقط در مقیاس کلی مطرح است و الزاماً فاقد تعیین های مادی مشخص در مبارزه جاری و صرفاً برای سیاسی درک ذهنی و جدا از شرایط زمانی و مکانی موضوع و موضع تبلیغ مطرح است و هیچ ارتباط خاصی با پایگاه مادی چنین عقاید "نو" بطور مشخص و الزامات مبارزه طبقاتی جاری و مستمر نمی آید. این اختلاف ساده هم محسوس شود. برای حزب توده هم سوبالیسم و مبارزه طبقاتی و پرولتاریا و غیره اموری کلی هستند تنها فرق درک حزب توده با گومله در این امر است که حزب توده آنچه بقیه در حمله ۸

ایران سیاست تخریب و الهام روستاها...

از صفحه ۳

وظیفه تمامی نیروهای انقلابی، سازمانها و احزاب منطقه‌ای و سراسری است که در سراسر ایران و جهان به هر طریق ممکن ماهیت ارتجاعی این سیاست را در میان توده‌های مردم افشا نموده، مقاومت همه جانبه و اعتراضات گسترده آنها را در مقابل این سیاست، سازماندهی نمایند. و از طریق افشای جنایات آن در گردستان انقلابی، آن را در انظار عمومی جهانیان و سوانما بیند.

خلق تهران کرد!
خلقهای سراسر جهان!
کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

با افشای جنایات بی‌شمار رژیم در اقصی نقاط ایران به هر شیوه و هر طریق ممکن و با تحکیم اتحاد درونی خود و با تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، سیاست ارتجاعی جدید آن را در زمینه تخریب و تخریب روستاهای گردستان با تکیه قطعی مواجه

ساخته، و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌نمایند. کارگران و زحمتکشان خلق کرده‌اند تا با تسلیم خواست ارتجاعی رژیم منجر به بی‌خانمان نمودن آنها شده و روستاهای خود را تخریب نمایند، بلکه قاضیانه و با تمام نیرو و از هر طریق ممکن باید در مقابل آن مقاومت نموده و با اقدامات عملی در زمینه جلوگیری از به تحقق پیوستن چنین سیاست شومی تلاش‌های مضحکانه رژیم را عقیم گذارند. آنها می‌باید با تشکیل خود، طرح‌ها، تکیه، اقدامات مشترکی را به عمل آورده و سیاست رژیم را در سطح وسیعی افشا نمایند و به هیچ وجه برخاست رژیم گردن ننهند.

سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان، با اعلام همبستگی با ملیت شتمیده و مبارز کرد و تشکیل جنبش‌ها و اعتراضات علیه رژیم جمهوری اسلامی، و از طریق افشای جنایات متعدد آن در گردستان و ایجاد غیر انسانی و ضد بشری جنایتی که هم‌اکنون در مدد انجام آن است، فریاد حق طلبانه، خلق تهران کرد را به گوش همه جهانیان رسانده و حامیان این ارتجاعی چپ‌پس

رژیم وفاقی را در انظار عمومی جهانیان رسوا نماید.

پیروز بساد
جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد!

هر چه مستحکم‌تر باد اتحاد عمیق مبارزات خلقهای سراسر ایران علیه رژیم جمهوری اسلام

سری بساد
امپریالیسم جهانی به سرگردگی
امپریالیسم آمریکا زیانگناه
داخلی

هر چه گسترده‌تر باد همبستگی بین السللی جنبشهای انقلابی و رهائی بخش در سراسر جهان!

سنگین بساد
رژیم جمهوری اسلامی
بسرقتار بساد
جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائیان خلق
ایران - خاستگرمینسان
۲۰ مرداد ۶۳



کومهله

مشکل دیروز...

از صفحه ۷

را که بطور کلی می‌بیند به آینده دور حواله می‌دهد و کومهله در حال حاضر و بدون توجه به شرایط و موقعیت خود و موضوع فعالیت خود، آنها می‌خواهد بلاواسطه پیاده نماید، اختلاف در این زمینه هر چه باشد، نتیجه یکی است عدم درک ضروریات عینی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و نقش تاریخی او در مرحله کمونیستی انقلاب به طور مشخص.

حزب توده با تمویق به محال نمودن تحقق سوسیالیسم، امر ترویج سوبالیستی را و نیز رابطه دیاکتیکی آن با امر تبلیغ را کلاً و در عمل نفی نموده، به شیوه‌های بورژوازی تبلیغ پناه می‌برد و کومهله را با جایگزین ساختن ترویج در جایگاه تبلیغ به نفی دیاکتیکی رابطه آیندومی‌رسد

این دو می‌برد و نهایتاً به شیوه‌های اوانتورپستی و متافیزیکی تبلیغ متوسل می‌گردد. با زهم نتیجه یکی است، در اولی تحمیل توده‌ها و در دومی تحقیر آنها جایگزین آگاهگری و سازماندهی مبارزات آنها می‌گردد و چون چنین تحقیری به دور شدن سریع مبلغین از توده‌ها می‌انجامد، ضرورتاً در یک دور تسلیم تحمیل به جای تحقیر می‌نشیند و تمایلات خود به خودی توده‌ها به ادل کمونیستی - شوربسنیای کبیر کومهله تبدیل می‌شود.

کومهله از درک رابطه این مفاهیم کلی با الزامات مبارزه کمونی و نقش و جایگاه تبلیغ و چگونگی آن در شرایط کمونیستی، بویژه در گردستان عاجز است. مشکل کومهله این است که به ما به ماهیت طبقاتی خود، با برخورد علمی با این مفاهیم و با تبلیغ مارکسیستی و اصول کمونیستی سازماندهی توده‌ها

حول شعارهای مشخص و رابطه این شعارهای مشخص با شعارهای کلی که بیانگر اهداف نهایی مبارزه پرولتاریا، و نه الزامات بلاواسطه آن هستند. بیگانه است. کومهله هم از این روست که با شناختن بزرگی خاص خود می‌خواهد دهقانان گردستان را بلاواسطه کمونیست نموده و حول پرچم "حزب کمونیست" و "مارکسیسم انقلابی" سهیل مشکل و آنکاره نماید و وقتی که موفق نشود آنها را به پذیرش "تنها عقاید خود" خود (که تنها عقاید کمونیستی هم گویا بودند) متقاعد گرداند، پس خود متقاعد می‌شود که هر عقیده نوری که توده‌ها بپذیرند، کمونیستی است. این است آنچه که کومهله امروز و به تازگی و برای پیشبرد تبلیغ کمونیستی، اش ابداع نموده است.

از کجا باید...

از صفحه ۱

سراسری خلقهای ایران ندارد و بدون پیروزی سراسری بر نظم ظالمانه کنونی امرکسب حق تعیین سرنوشت خلق کردورهای از ستم ملی میسر نیست و نیز روشن ساختیم که به خاطر درک محدود از همین ساله است که نیروهای سیاسی موجود در حرکت عملی خود با تناقضات متعددی رو در رو هستند که عامل اصلی تشتت کنونی محسوب می گردد و خود حصول چگونگی درک از این ارتباط است و در این رابطه نیز به نقد دیدگاههای حزب دمکرات و کومه له دنیروی مهم و منطقه ای جنبش ملی خلق کرد، پرداخته و چگونگی برخورد آنها با این ساله را روشن نمودیم و گفتیم که از یک سو حزب دمکرات با استدلال خود در این زمینه و مرقا منطقه ای محبوب داشتن جنبش انقلابی خلق کرد و محدود نمودن شعاع مبارزات آن را بهوشفدهای بنزای پذیرش هر نوع برنامه عملی موجود مبدل می یازد و در نتیجه این استدلال خود رانختن انتظار ذهنی منوری می نماید و سپس به دنبال هر جریان که او را از این انزوا به در آورده و برای اولین بار حق خودمختاری خلق کرد را به رسمیت بشناسد (هائ) مضمون آن گویا مهم نیست (راه می افتد، اشتلاف می کند و غیره، و بدین وسیله برای تمام بلات میدان خود در امر رهائی ملی میدان عملی پیدا می کند، بدون آن که آئینده این جنبش را به عنوان یک چیزی از کل ارگانیک مبارزه کنونی خلقهای سراسر ایران با مضمون و محتسوا ی مشخص آن در نظر گیرد و تاثیر سیاست های خود را نه تنها در جنبش خلق کرد، بلکه حتی در کل جنبش انقلابی امروز ایران به طور مستقیم و غیر مستقیم مدنظر قرار دهد، آگاهانه یا نا آگاهانه میدان به تمام بلاتی می دهد که حتی در صورت کسب پیروزی نیز چشمانداز روشنی برای خلق کرد ترسیم نخواهد کرد. بلکه عملاً این خلق مبارز را در ورطه جنگ دیگسری و به گونه دیگری، به چار می بیند

می یازد، نه نیروی محرکه این تا آن خلق به تنهایی، بلکه اساساً قدرت محرکه مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران است، و نیروی محرکه خلق کرد تنها در این چارچوب و در توازن درونی آن می تواند قدرت عمل گسترده یا محدود داشته باشد. خواهان سرنوشتی قطعی رژیم کنونی یا خودمختاری در چارچوب حتی رژیم موجود باشد، این امر بدون هیچ تردیدی تابع افت و خیز جنبش انقلابی در سراسر ایران است. جنبش انقلابی در گردستان سرنوشتی جدا از سرنوشت آن در سراسر ایران ندارد. این است آن اصل مسلمی که می باید در خطوط برنامه های امروز بر روی آن تاکید گردد چیزی که در برنامه حزب دمکرات با "دمکراسی برای ایران" انعکاس پیدا کرده است و کاملاً به پیش محسوب می شود، هر چند دمکراسی حزب دمکرات یک دمکراسی کلی و نامشخص و نهایتاً راهگشای هیچ چشم اندازی نیست (و ما قلاً با آن برخورد مشخص نموده ایم) ولی حزب دمکرات حتی با درک غیای خود از این ساله، اهداف برنامه ای خود را مرقا به خودمختاری گردستان محدود

خواهد کشید و هیچ تردیدی هم نیست که چنین دیدگاههایی در واقعیت عملی مبارزه محکوم به شکست قطعی است. ولی باید بر این امر اساسی توجه داشت که چنین دیدگاههایی می توانند چه تاثیراتی در شرایط کنونی از خود باقی گذارند و در سازمان دهی هماهنگ مبارزات توده ها چگونه انعکاس عینی پیدا می کنند و با پذیرش و تمکین به برنامه های بورژوا - رفرمبستی چقدر از رادیکالیسم جنبش کنونی در مواجهه با عوامل اصلی استمرار ستم ملی و بقا آن می گذارند؟ آیا راهگشای انجام کنونی جنبش خلق کرد بطور اخص هستند یا برعکس؟ از سوی دیگر کومه له نیز با طرح استراتژی جداگانه برای خلق کرد و تمرکز حق تعیین سرنوشت خلق کرد، در شرایط کنونی و تحت استیلای نظم موجود و مرقا با انعکاس به نیروی محرکه خود، عملاً عدم درک خود از ستاله نقش و جایگاه جنبش انقلابی خلق کرد در جنبش سراسری و نیز ساله اساسی ارتباط تنگاتنگ آن با جنبش سراسری را به نمایش می گذارد. این امر نشان دهنده آن است که کومه له حتی نیروی محرکه خلق کرد را نیز به درستی درک

آن قدرتی که کسب پیروزی قطعی را ممکن می یازد نیروی محرکه این با آن خلق به تنهایی، بلکه اساساً قدرت محرکه مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران است و نیروی محرکه خلق کرد تنها در این چارچوب و در توازن درونی آن می تواند قدرت عمل گسترده یا محدود داشته باشد.

نگریده است. و کومه له با تاکید روی "نیروی محرکه" خلق کرد و بیرون راندن نیروهای اشغالگر رژیم و غیره در حقیقت تلاش دارد موضوع تعیین سرنوشتی خود را در این زمینه، شوربزه نماید. بی گمان وقتی که از پیوند ارگانیک جنبش خلق کرد با جنبش سراسری و ارتباط لاینفک آن، سخن گفته می شود، کومه له نفسی خودمختاری را از درون آن بیرون می کشد. کومه له مسائل استراتژیک جنبش کنونی را تا حد تاکتیک های برخورد و شکل و شیوه برخورد تنزل می دهد، تا

نموده است، این نیروی محرکه نه تنها می تواند و می باید روی پای خود بایستد و همانطور که تاکنون بوده است و در آئینده نیز باید به عنوان یک عامل در توازن نیروها را در سطح سراسری به سطح جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران تغییر دهد، بلکه می باید با درک اهمیت این ساله، هر گونه پیشرفت و یا عقب نشینی خود را نیز در ارتباط با جنبش توازنی ارزیابی نماید. مشکل اساسی کومه له این است که از درک این رابطه متقابل عاجز است. و این که آن قدرتی که کسب پیروزی قطعی را ممکن

از کجا باید...

از پاسخ صحیح و اصولی به آنها ظفره برود. رابطه متقابل جنبش انقلابی خلق کرد با جنبش سراسری را از مضمون دیالکتیکی آن تهی می نماید، و تاثیر و تاثرات متقابل آنها را مخدوش و عملاً خنثی فرض می نماید تا از پاسخ به این امر مسلم ظفره برود که نهایتاً این نیروی محرکه مبارزه طبقاتی در سراسر ایران است که جنبش کنونی را یکپارچه و به هم پیوسته به اهداف پیروزمند خود نزدیک می سازد و خلق کرد با هر چه فعال تر نمودن این رابطه و ضرورت این رابطه می تواند اهداف انقلابی - دمکراتیک خود به طور کامل دست یابد یا اینکه با اتکا صرف به نیروی محرکه خود، تاثیر متقابل بین جنبش سراسری و جنبش انقلابی خلق کرد می تواند در تعیین این یا آن تاکتیک برخورد تحت تاثیر این شکست یا آن پیروزی جنبش را در حد معینی توضیح دهد، ولی نمی تواند استراتژی مبارزه کنونی را بطور کامل منعکس نماید. نیروی محرکه به تنهایی قادر به تدوین مبارزه کنونی با افت و خیزهای محتمل آن هست، و می تواند و می باید روی پای خود بایستد، ولی نافی نقش تعیین کننده پیروزی قطعی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در مبارزه طبقاتی جاری نیست. چیزی که کومه له از درک آن عاجز است و نیز با حرکت از چنین نقطه عزیمتی است که در برخورد به نیروهای انقلابی و ارائه یک برنامه و سازماندهی مشخص باز می ماند و رادیکالیسم خود را در عمل فدای اتوپیه خرد بورژوازی خویش می نماید. در برنامه از همه چیز سخن می گوید ولی در عمل از انجام آنها باز می ماند. در حرف اتحاد عمل با نیروها را می پذیرد، ولی در عمل هیچ اقدام مشخصی در این مورد نمی تواند انجام دهد. و در دور و تسلل درک و آروغ خنثی

سرکشی می خورد. بدون هیچ تردیدی منافع کارگران و زحمتکشان خلق کرد ایجاد می کند که در شرایط خطر کنونی برای هر چه مستحکم تر نمودن صفوف مبارزه کنونی چشم اندازهای روشن و قطعی و واقعی در قبال جنبش توده ای قرار داده شود، مضمون واقعی حرکت کنونی توده ها در ارائه چنین چشم اندازهایی منعکس گشته و در جهت تعمیق هر چه بیشتر آن سازماندهی برای تحقق آن گام برداشته شود. این امر میر نسبت مگر از طریق ایجاد هماهنگی های ضروری حتمی در ابتدائی ترین اشکال ممکن آن برای هدایت جنگ کنونی، بر بنیان اهداف انقلابی - دمکراتیک توده ای جنبش و نهایتاً در چارچوب برنامه ای که از یک سوا اهداف عمومی مبارزه سراسری کارگران و زحمتکشان خلقهای ایران را در خود منعکس نموده و در پرتو آن چگونگی حل مساله ملی بطور اعم و خلق کرد به طور اخص را روشن نماید و از این طریق، از یک سو درک مشترک از سازماندهی مبارزات کنونی توده ها را در تمامه ای آن زمینه ها، در اشکال برنامه ای آن تبلور نماید و هم راه حل عملی خود را برای انجام هر چه بیشتر و پرتوان تر مبارزه کنونی، ارائه نماید. هر نیروی به سهم خود موظف است، با عزیمت از منافع مشخصی خلق کرد و مبارزه قهرمانانه آن در راه کسب حق تعیین سرنوشت، وظائف مشخصی در مرحله کنونی را روشن ساخته و انجام عملی آن را در دستور روز خود قرار دهد. این امر به مفهوم عدم وجود هیچ گونه برنامه ای در شرایط کنونی نیست. ولی هما گونه که قبلاً نیز گفتیم برنامه های موجود، خود معطل مهم دیگری در سرازه ایجاد هر گونه تحولی در شرایط کنونی هستند و وظائف آینده به طور مسلم از نقد وضعیت کنونی و برنامه های موجود کنونی می گذرد و ایجاد ایسن برخوردها و چگونگی آنها نه تنها خود بیانگر امکانات موجود هر گونه حرکت آتی هستند، بلکه از نقطه نظر پیشرفت آینده جنبش نیز از اهمیت درجه اولی

برخوردا رند.

— وضعیت کنونی و ضرورت برخورد با آن

در شرایط حاضر آنچه که قبل از همه به چشم می خورد، عدم وجود یک حرکت هماهنگی در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی و پراکندگی انرژی موجود جنبش خلق کرد و در نتیجه عدم یکپارچگی در اراده عملی آن است که در واقعیت پیشبرد مبارزه کنونی تجلی می یابد. این امر ادامه خودبخودی وضعیت گذشته این جنبش است، جنبش انقلابی خلق کرد علیرغم تمامی پیشرفت های خارق العاده در زمینه ادامه قدرتمند مبارزه در تمامی عرصه ها، در زمینه ایجاد یک قدرت متمرکز و در نتیجه ایجاد کیفیت جدید و آگاهانه ای در بهره جویی از انرژی و توان موجود خود نتوانسته است موفقیت حتمی چندی داشته باشد. به عبارت دیگر عرصه تشکیل آگاهانه اراده استوار خلق کرد فرسنگها دور از پیشرفت و اعتلای نیروی بالقوه آن در عرصه عینی است. توده های زحمتکش خلق کرد و نیز پیشمرگان مسلح آن، توان و پتانسیل بسیار بالائی در ادامه مبارزه طولانی خود، در طیول پنج سال گذشته، از خود پیروز داده اند. ولی این اراده تجلی خود را در وحدت عمل نیروهای که این اراده را می نمایند، نمایندگی کنند، نیافته است. و انرژی موجود نه به سبب ضرورت که به دلخواه این یا آن نیرو و در جهت خاصی مورد نظر آن، سازماندهی گشته است و به بخش عظیمی از این انرژی نیز در عمل به هدر داده، با به پویش خود به خودی آن واگذار شده است. این امر خود را در تمامی زمینه ها آشکار ساخته است. مهم ترین موردی که چنین پویشی می توانست به امرا آگاهانه مبدل گردد، سازماندهی قدرت توده ای در کردستان انقلابی بود که در پنج سال گذشته کمترین توجهی از سوی نیروهای موجود به آن مبذول نگشته است. کنترل مناطق آزاد بد دلخواه این یا

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

از کجا باید ...

آن نیرو و بدون هیچ گونه برنامه عملی و چنانندازی صورت گرفته است، بدون آن که حتی فکر این امر هم وجود داشته باشد که قدرت آینده را از همین امروز و در همین شرایط و با مصالح موجود باید سازماندهی کرد و به توده های زحمتکش به عنوان اهرم قدرت فردا که هر روز بیشتر از روز پیش از طریق سازماندهی باید تسون آنها را در تمامی عرصه ها ارتقاء داد نگریسته شود. برخسورد نیروهای سیاسی موجود با امر سازماندهی توده ها، برخوردی کاملاً "پراگماتیستی و حقیقتاً بی هدف بوده است. کافی است نگاهی به سرنوشت شوراهای موجود روستاها و نقشی که در طول پنج سال گذشته بازی کرده اند و با آنچه راکه از آنها انتظار می رفته و عملاً خواسته شده است و هرنیروشی به تناسب نفوذ خود در منطقه ذی نفوذ به آنها تحمیل کرده است، بیفکنیم. واقعیت دردناکی را خواهیم یافت که خود تیلور آشکاری از آینده بی برنامه و وضعیت کنونی خواهد بود. کافی است از سازماندهی اجتماعی - اقتصادی کردستان از سوی نیرو - های ذی نفوذ پرسیده شود و این که این امر چگونه و درجه عرصه های صورت گرفته است، عملاً با پاسخ قانع کننده ای، روبه رو خواهیم شد. آنچه که تا به امروز در کردستان انقلابی کمتر صورت گرفته است چنین اقداماتی است، اقداماتی که برای تداوم مبارزه کنونی در تمامی ابعاد آن الزامی و غیرقابل انکار است. اقداماتی که با سازماندهی امکانات مادی و انسانی جنبش انقلابی خلق کرد، تداوم پر قدرت آن را به طور استراتژیک تضمین نموده، از یک سو الگوی چناننداز آینده را در پیش روی آنها قرار می دهد و از سوی دیگر در لحظه کنونی جنبه تدارکاتی جنبش انقلابی را در زمینه های مالی - تدارکاتی از یک سو با پیشبرد شیوه های حاصل بخش تداوم در کردستان و از سوی

دیگر با ایجاد زمینه هر چه بیشتر مقاومت توده ای و دامن زدن آگاهانه به آن، تضمین می نماید. چیزی که تنها راه اصولی تا مین آینده جنبش است. در این عرصه از فعالیت نه تنها کار قابل توجهی صورت نگرفته است و اگر هم گرفته، تنها از سوی این با آن نیرو در

ایجاد ارگانهای توده ای و سازمان دهی قدرت توده ای به عنوان منبع اساسی انرژی مبارزه کنونی به عنوان پایه های اقتدار آینده، امر اساسی تداوم مبارزه کنونی را تشکیل میدهد. ارگانهای که نه تنها از من پیروزی های فردا و تثبیت آنها، بلکه از من بقای قدرتمند مبارزه کنونی نیز هستند.

منطقه نفوذ خود، آن هم صرفاً در زمینه تشکیل صوری شوراهای به عنوان مراکز قدرت این با آن نیرو و غیره. بوده است، بلکه تاکنون حتی اقدام عملی خاصی نیز در جهت تبدیل چنین شوراهای به قدرت واقعی توده ای انجام نیافته است و به عنوان امری که باید یکبارچه و اصولی در تمامی کردستان و با برنامه هماهنگ عملی گردد، به آن عطف توجه نشده است. اگر چه هر کدام از نیروها در منطقه نفوذ خود، هم چون یک دولت عمیل کرده اند و می کنند، ولی این عملکرد را تنها در موارد خاصی به کار بسته اند و آنها از کانال سازمانی یا حزبی خود و هیچ گاه در این اندیشه که حقیقتاً باید وظائف یک قدرت انقلابی را در تمامی زمینه ها و در اداره اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه کردستان از همین امروز برعهده گیرند، کوچکترین تلاشی هم نکرده اند. در کردستان امروز دیگر سازماندهی توده ها بیش از آن که نیازمند تبلیغ و ترویج در میان آنها باشد، مستلزم اقدام عملی مشخص در انجام چنین کاری است. و ایجاد ارگانهای توده ای و سازماندهی قدرت توده ای به عنوان منبع اساسی انرژی مبارزه کنونی به عنوان پایه های اقتدار آینده،

امر اساسی تداوم مبارزه کنونی را تشکیل می دهد. ارگانهای که نه تنها از من پیروزی های فردا و تثبیت آنها، بلکه از من بقای قدرتمند مبارزه کنونی نیز هستند و زیر ساخت اصلی آن را تشکیل می دهند و پایه های مادی آن به قویترین شکل خود، هم اکنون در جنبش توده ای زحمتکش این مرز و بوم یک واقعیت عینی است. ما منکر تناقضات موجود در میان نیروهای که هر کدام منافع معینی را در جنبش کنونی با شدت و ضعف خود دنبال می کنند نیستیم و نه تنها معتقد به سرپوش گذاشتن به آنها نیستیم، بلکه خواهان عرصه آنها در مقیاس توده ای و در کانسال مشخص خود یعنی ارگانهای توده ای و سازماندهی توده ها بر اساس آنها از سوی هرنیروشی که باشد نیز هستیم. این امر به هیچ وجه نه تنها به عنوان عامل پراکندگی نمی تواند باشد، بلکه در وجود ارگانهای توده ای کانال مشخص خود را پیدا کرده و عملاً به نقطه تحول کیفی این ارگانها از طریق پیشبرد دمکراتیک مبارزه درونی و بیرونی آنها و ایده های مشخص نیز می گردد. آنچه که مقدم بر تمامی این مسائل اهمیت حیاتی دارد ایجاد آن دمکراتیسم پایدار توده ای است که خود موضوع این اختلافات و بحث پر پیچ و خم است اصولی آنها نیز هست. ساله مهم این است که نیروهای سیاسی در کردستان باید به این ساله اهمیت اساسی بدهند که اگر بخشی از وظیفه آنها سازماندهی جنگ کنونی در تمامی ابعاد آن است، بخش اعظم وظائف آنها را پرداختن به امور مربوط به استمرار این مبارزه و آن هم نه در شکل کنونی و پراکنده و عملاً خود به خودی آن، بلکه در گسترده ترین شکل آن تشکیل می دهد. برخلاف آموزش در تجربه عملی جنگ پنج ساله گذشته، این آموزش در بایر زمینه ها نمود عینی نیافته است حتی در عرصه پیشبرد جنگ کنونی نیز به یک کیفیت نوینی که بتواند بیانگر تغییر اساسی در شیوه های پیشبرد جنگ کنونی باشد، عملاً ارتقاء نیافته است و اگر هم چنین چیزی جزاً از سوی این یا آن نیرو صورت گرفته باشد، در مقیاس

از کجا باید...

وسعی و درجهت تبدیل آن به یک واقعیت قدرتمند که تجلی خود را فقط در ایجاد اراده، زاهد مبارزاتی آشکار می سازد، هیچ اقدام شخصی صورت نگرفته است و چشم انداز آن نیز کمتر مشهود است.

استمرار و تداوم هر چه قدرتمندتر مبارزه کنونی، ایجاد می کند که به مسائل جنبش توده ای توجه بیشتر و اکیدی شده و این امر بیش از این دیگر تحت الشعاع منافع گروهی و یا حزبی این بها آن نیرو نگردد و اهمیت جدی این امر هر چه بیشتر درک گردیده و به عنوان تنها راه تداوم قدرتمند سازماندهی مبارزه خلق کرد و پیشبرد اصولی حتی کار سازمانگرا نه گروهی و تبلیغ وسیع توده ای در نظر گرفته شود. آنچه که اساسی و مهم است، به رسمیت شناختن این ارگانها به عنوان پایه های استوار مبارزه کنونی و هدایت آگاهانه آنهاست. ارگانهایی که نه تنها امروز و در شرایط کنونی حیاتی است، بلکه برای آینده و بنیان قدرت دمکراتیک و انقلابی خلق کرد در فردای پیروزمند نیز امری ضروریست، باید از همین امروز توده ها را در ارگانهای خاص خود متشکل و مسلح نمود و به عنوان پایه های قدرت انقلاب بر آنها متکی شد و رژیم جمهوری اسلامی را نه با قدرت پراکنده آنها بلکه با قدرت متشکل آنها روبه روبرو ساخت و متناسب با چنین سازماندهی ای، نیروهای مسلح خلق کرد را نیز به سوی یک هدایت متمرکز کانالیزه نمود. در حقیقت پایه ای ترین اساس قدرت توده ای فردا را بنیان گذارد و اراده و توان موجود را متناسب با ضرورت های حیاتی جنبش سازماندهی کرد، و حقیقتاً به پیشرو توده ها ارتقاء یافت و از همین امروز حق انتخاب دمکراتیک را به میان توده ها برد و دمکراسی واقعی را سازماندهی کرد، و اهمیت وجودی آن را در تداوم مبارزه کنونی درک نمود. حرکت از جنبش

موضع برخوردی به واقعیتات کنونی جنبش توده ای است که می تواند در زمینه های مختلف با زتاب عینی خود را متناسب با شرایط کنونی روشن سازد، و در عرصه های مختلف نیز ابسار روشنی به خود بگیرد.

آنچه که در برخورد به ساله ایجاد ارگان های اقتدار توده ای و وارد نمودن عنصر تشکل توده ای به مبارزه کنونی و سازماندهی امکانات بالقوه خلق کرد در این زمینه و میدان دادن به ابتکار عمل توده ها، ممدای عینی داشت، در عملکردهای هماهنگ نیروی پیشمرگه نیز عیناً صادق می باشد. اهمیت این امر که در مقابل رژیم جمهوری اسلامی می باید هر چه متشکل تر و متحدتر و در نتیجه هر چه قدرتمندتر عمل نمود، چیزی است که اگر چه در حرف اکثر نیروهای سیاسی بر آن اذعان دارند، ولی در واقعیت هیچ گاه باز شناخته نشده است. معضلات موجود در سر راه تحقق این امر هر چه که باشد نمی تواند منافع مبارزه کنونی را تحت الشعاع خود قرار دهد و نباید بدد، اگر چه باید به این حقیقت تلخ معترف بود که جنبش شده است و گاه حتی به جای ایجاد اتحاد عمل دیدگاه های موجود، در عمل به درگیریهای خونین بین دوی نیروی مهم منطقه ای یعنی حزب و کومه له نیز منجر شده است ولی آنچه که امروز مهم است تا سازگشته نیست، بلکه بنیان آینده ای است که نه تنها گذشته را نفی کرده باشد، بلکه در واقعیت استمرار را برای تکرار هرگونه اعمالی از نوع گذشته مدو نماید، و چشم اندازهای روشنی را نیز برای آینده بازگشاید.

ما منکر این واقعیت نیستیم که در شرایط کنونی بسیاری مسائل گری دیگر در روابط فیما بین نیروهای سیاسی وجود دارد که می باید به آنها عمیق تر پرداخته شود، لیکن هیچکدام از مسائل مورد اختلاف نیروهای درگیر مانعی بر سر راه ایجاد زمینه های همکاری مشترک در تقابل با یورش های رژیم جمهوری اسلامی ایجاد نمی کند و ما نیز معتقد به متحد شدن به این امر نیستیم، لیکن آن را الزامی و در شرایط کنونی عملی و عاجل نمی دانیم. درک

این ساله مهم است که در زمینه امور حیاتی جنبش نیز هیچ نشانه ای از چنین اقدامی به چشم نمی خورد. به طور نمونه در طول دو سال گذشته که رژیم جمهوری اسلامی بیشترین تهاجمات را به مناطق آزاد کردستان انجام داده است در مقابل آن و برای پیشبرد هر خورد هماهنگ با یورش های رژیم هیچگونه برنامه مشترکی حتی در سطح منطقه ای پیش برده نشده است و علیرغم آنکه هر کدام از نیروها به طور رسمی هرگونه اتحاد عملی را در جهت تأمین منافع جنبش خلق کرد رد نمی کنند و حتی مصوبه های گوناگون نه تنها در این زمینه حتی در زمینه تعیین خطوط خود مختاری کردستان بطور مشترک برای دفاع به گیرانه از این مطالبات (کومه له، ضمیمه پیشرو شماره ۵ صفحه ۹) را نیز صادر نموده و امر قابل تحقیق قلمداد می کنند (ما در عملی بودن چنین کاری تردیدی نداریم) باید دید چرا چنین طرحهایی عملی نشده است و چه عواملی سد راه رسیدن به وحدت عمل مشترک در محدوده کنونی جنبش خلق کرد هستند و چرا؟

از کجا باید آغاز کرد؟

اگر نیروهای سیاسی در برخورد به مسائل توده ای، و پیشبرد جنگ کنونی حرکتی در جهت ارتقاء جنبش به سطحهایی در نگردانند و یا حداقل چشم انداز روشنی در این زمینه ارائه نمی دهند، اصولاً دلایل آنرا باید در برنامه های موجود آنها و در برخورد آنها به مسائل اساسی انقلاب که با زتاب عملی خود را بلاواسطه در هر دوزیمه فوق برجای می گذارد جستجو کرد وقتی که حزب دمکرات کردستان ایران طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت را به عنوان بهترین طرح ممکن در شرایط کنونی مطرح نموده و تبلیغ می نماید، طرحی که بنیان آن هیچگونه مابینتی با اهداف رادیکال جنبش کنونی ندارد و صرفاً در چارچوب بیارمزدوری در نظر دارد که به ساله ملی در کردستان پاسخ بدهد، طرحی که در آن هیچ گونه اشاره ای به تنها

از کجا باید ...

سازمان‌های توده‌ای و چه در عرصه برنامه‌های به‌اراده مادی تبدیل نماید. برعکس با تفرعن غرده بورژوازی خود و با تاکید بر سازماندهی غیرواقع بیناندهای که فاقد مضمون توده‌ای و صرفاً یک سازماندهی بکنار بستی است و نیز ارائه یک برنامه عمیقاً ناسیونالیستی و کاملاً غیرعملی تنها در ذهن خود و به او هم خاص خود پروبال داده است. سازماندهی توده‌ای را باید به مادیت عینی تبدیل ساخت و

که ساله سازماندهی و هدایت جنبش توده‌ای نیز نه به عنوان یک امر راهگشا بلکه به عنوان یک معنای که فردا می‌تواند در برابر اجرای چنین طرحی عرض اندام کند، نگریسته شود. طرحی که نه به شیوه دمکراتیک و از طریق اعمال آراده خود توده‌ها، بلکه از طریق اعمال آراده بوروکراتیک نظم حاکم در تبدیل یافته‌ترین شکل آن، می‌خواهد به ساله رهائی ملی پاسخ خود را بدهد که در حقیقت نه تنها پاسخی نیست، بلکه به غلطاً می‌توان گفت شیوه دیگری برای سرپوش نهادن بر ناسیونالیسم و منم موجود است. اشتیاق بورژوازی لیبرالی شورای ملی مقاومت طبیعتاً قادر نبوده و نیست که جنبش کنونی خلق کرد را نادیده بگیرد و طبیعتاً به همین دلیل ساده نیز مجبور است که راه دیگری برای نفی ارزش‌های آن جستجو کند و این طرح معمول چنین تلاشی است. حزب دمکرات اگر بر اهداف جنبش خلق کرد و بر مضمون مبارزه کنونی پایگاه وسیع خود و قادر به ماندن، باید در جهت نفی و ابطال چنین طرحی و گرویدن به یک طرح دمکراتیک و انقلابی حرکت کند و بدین وسیله یک گام عملی به سوی ایجاد یک اتحاد مبارزاتی عمیق و سازماندهی متناسب با آن بردارد.

گروه‌ها نیز علیرغم تاکید بر روبروهای خود بر ارگانهای اقتدار توده‌ای، همچون شوراهای ملی و جمعیتان خلق کرد و جانبداری از اقدامات دمکراتیک و انقلابی در حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خلق کرد، حتی در مناطق تحت نفوذ خود نیز نتوانسته است اقدام عملی خاصی برای زمین‌انجام داده، این ایده خود را چه در

اجتناب ناپذیر و حیاتی جنبش انقلابی کارگران و زمینکشان خلق کرد پاسخ روشن داده شود این امر میسر نیست مگر از طریق یک حرکت آگاهانه و هدفمند و ارائه یک برنامه انقلابی - دمکراتیک همه گیر که بتواند در عین انعکاس مضمون اساسی جنبش کنونی، هرگونه گرایش انحرافی در سطح جنبش ملت کرد را منزوی ساخته و راه را برای یک اتحاد عمیق و استوار مبارزاتی در این مرحله از

ضرورت‌های عملی امروز جنبش انقلابی خلق کرد، ایجاد می‌کند که با نقد هرچه قاطعانه گذشته جنبش و نفی اساسی نقاط ضعف آن و خط بطلان کشیدن بر آنچه که امروز بدراه تحول انقلابی و کینی در روابط موجود بین توده‌ها و نیروهای سیاسی در درجه اول و نیز به تبع آن روابط سیاسی بین نیروهای انقلابی است. مسیر حرکت آینده را روشن تر نموده به ضرورت‌های احتیاج ناپذیر و حیاتی جنبش انقلابی کارگران و زمینکشان خلق کرد پاسخ روشن داده شود.

برای انجام چنین هدفی برنامه امری ضروری است، ولی صرف تاکید بر برنامه کافی نیست. اگر برنامه در عمل تجلی خود را پیدا نکند یک شعار توغالیسی بیش نخواهد بود. بهر حال آنچه که امروز در عرصه سیاسی خود را آشکار می‌یازد، به شدیدترین وجهی انعکاس خود را در پاشین نیز پیدا کرده است و همانطور که در عرصه اشتیاق‌ها و اتحادها و عدم اتحادهای برنامه‌ای و غیره، بی‌هدفی و تهی از مضمون واقعی و با انحرافی بودن خود را نشان می‌دهد، در سازماندهی توده‌ها و نه صرفاً نیروهای وابسته به این یا آن جریان سیاسی، به مادیت غیرقابل انکاری تبدیل گردیده است که اساساً نمی‌تواند به عنوان یک عنصر فرمایند جنبش نادیده گرفته شود.

ضرورت‌های عملی امروز جنبش انقلابی خلق کرد، ایجاد می‌کند که با نقد هرچه قاطعانه گذشته جنبش و نفی اساسی نقاط ضعف آن و خط بطلان کشیدن بر آنچه که امروز بدراه تحول انقلابی و کینی در روابط موجود بین توده‌ها و نیروهای سیاسی در درجه اول و نیز به تبع آن روابط سیاسی بین نیروهای انقلابی است، مسیر حرکت آینده را روشن تر تعیین نموده، به ضرورت‌های

مبارزات، نه تنها خلق کرد، بلکه در تمام خود، خلقهای سراسر ایران، هموار نماید برنامه‌ای که به در سطح ملی و در سطح جنبش سراسری تبدیل خاص خود را ارائه داده، در ارضی آن را در موجودیت ارگانهای اقتدار توده‌ای از همین امروز به مادیت عینی تبدیل ساخته و در دومی نخستین گامهای اساسی را برای ایجاد آن برداشته و جایگاه واقعی منافع کارگران و زمینکشان سراسر ایران و اهداف مشترک مبارزاتی آنها را در این مرحله خاص و از هر ملیتی، در برگیرد.

- چگونه برنامه‌ای و چرا؟

هر برنامه‌ای در شرایط کنونی حقانیت خود را فقط و فقط از مبارزات توده‌ها و تحلیل عینی دستاوردهای این مبارزات و آموزش از تجربیات تاریخی آنها، می‌تواند بگیرد. آموزش از تجربیاتی که امروز دیگر چندان دور نیست و با تمام وجوه مشخصه خود در انقلاب ایران و در حرکت قدرتمند توده‌های و جنبش خلقهای سراسر ایران و در حرکت آوازم مبارزه قهرمانانه کارگران و زمینکشان سراسر ایران در طول پنج سال گذشته، در مقابله با رژیم جدید متبلور گردیده و امروز در

از کجا باید...

مرحله حساس و کیفی نوینی قرار دارد که لازمه ادامه آتی آن و هرگونه چشم انداز روشن برای آن، به کارگیری آموزش عملی آن در طول چندسال گذشته است.

بر هیچ کس پوشیده نیست که اهداف عمومی جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران در دوران پرتلاطم روزهای قبل و بعد از قیام بهمن، تا به امروز هنوز به عنوان اهدافی عاجل و مبهم در رأس مسائل مورد نظر جنبش قرار دارند و جنبش توده ای در تمامی عرصه های خود هنوز هم همان اهداف را دنبال می کند که در قیام بهمن ماه دینشال سال می کرد. تنها نقطه افتراقی که امروز را از دیروز جنبش کنونی جدا می سازد، آموزش عملی توده ها در پروسه طولانی درگیریهای حاد طبقاتی پنج سال گذشته و دستاوردهای مبارزه طبقاتی جاری در حادترین شکل آن است که جنبش امروز را نسبت به جنبش سرنگونی رژیم شاه از کیفیت نوینی برخوردار می سازد. بیش از پنج سال مبارزه حساد و خونین طبقاتی که بسیاری از نقاط ضعف جنبش دیروز را در عمل نفی نموده است و خط و مرزهای طبقاتی را هرچه روشن تر و آشکارتر ساخته است و جنبش کارگران و زحمتکشان در طول این پروسه پرکشاکش و مداوم گام های بلندی را در جهت شناخت اهداف خود برداشته است و آنچه را که در آستانه قیام بهمن و در روزهای بعد از آن به عنوان یک امر مبهم و کلی یا خودبه خودی مطرح بوده است، امروز در عمل و بطور مشخص تجربه کرده است. جنبش توده ای امروز دیگر گذشته بی چهره خود را نفی نموده است و بدیل آن را از خود آشکار ساخته است. امروز دیگر جنبش برخلاف بهمن ۵۷، در حرکت عملی خود به پویایی آگاهانه در جهت دستیابی به اهداف و آرمانهای خود گام گذارده است. اگر در آستانه قیام بهمن برای توده های انقلابی مثلاً

دمکراسی یک امر کلی بود، اگر برای آنها مسأله حق تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود در تمامی زمینه ها یک امر مبهم و بدیهی و غیرقابل بحث شمرده می شد و تنها بدچنین حق می گشت، دیکتاتوری شاه قلمداد می گشت، امروز دیگر چنین نیست. امروز دیگر تجربه عمیق مبارزه خونین خود، برای احقاق چنین حقوقی از فردای درهم شکستن دیکتاتوری پهلوی تا به امروز را، با تمامی شکست ها و پیروزیهای آن، پشت سر دارند. آنها در جریان عملی همین چند سال گذشته توهم دمکراسی بطور کلی را پشت سر گذاشته اند و در عین حال دمکراسی به طور مشخص را نیز تجربه کرده اند، آنها یک بار برای همیشه طمس بازگشت به روزهای گذشته، حتی دهشتناکتر از آن را نیز نه تنها تجربه، بلکه با تمامی تلخی آن هر روز بیشتر از روز پیش لمس کرده اند. آنها در مکتب مبارزه طبقاتی آموزش دیده اند، آنها دیگر تن به قضا و قدر دادن را برای همیشه به کور سپرده اند. اگر برای کارگران و زحمتکشان تمام ملیت های ایران سرنگونی رژیم ارتجاعی پهلوی عین رهایی از فقر و بدبختی، مساوی بارهایی از فلاکت روز - افزون و ورنگستگی و خانه خرابی و دست یافتن به حقوق دمکراتیک خود بود، اگر برای خلقهای تحت ستم، سرنگونی رژیم شاه به معنی رهایی از سلطه جابرانه ستم ملی و نابرابری موجود و قید وابندهای ناشی از جنسیسم ستمی بود و کمتر کسی بود که به این واقعیت ها جواب مشخص دهد و نیروهای سیاسی نیز از چنین برنامه ای برای ارائه مشخصی چشم انداز آینده ناتوان بودند، امروز دیگر وضعیت عمومی جنبش به گونه ای دیگر است، امروز دیگر سیاست عمومی طبقات اجتماعی در عرصه فعالیت آگاهانه سازمانهای سیاسی، بازتاب عینی خود را پیدا کرده، خط و مشی های معین طبقاتی شکل گرفته است و عامل اصلی ادبار و بدبختی توده ها و حافظین و تقدیس کنندگان آنان در سطح جنبش نیز باز شناخته شده اند. برخورد به این امر حیاتی که چرا علیرغم سرنگونی دیکتاتوری شاه، دوباره دیکتاتوری متعجربتری برقرار گشت و برجسته

اساسی و پایه ای، امروز نه تنها مشخص شده است، بلکه حتی چگونگی برخورد به این تجربه عملی توده ها مضمون اساسی خط و مشی های معین طبقاتی کنونی را نیز تشکیل می دهد. توده ها در تجربه روزمره خود و در اغت و خیزهای پرشتاب جنبش به نتایج گرانبار و ارزشمندی دست یافته اند، آنها دیگر امروز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را مساوی با دست یافتن به آرمانها و اهداف دمکراتیک خود قلمداد نمی کنند. امروز برای آنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دیگر به مفهوم کسب آزادیهای دمکراتیک، رهایی خلقهای تحت ستم از قید و بند ستمی و بطور خلاصه، خودبه خودی وجود یک جامعه دمکراتیک نیست. امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست، به همان اندازه که با بدروی سرنگونی رژیم کنونی و انهدام وضعیت موجود و پایه های قدرت چنین رژیمی تاکید نمود، باید به همان اندازه و حتی بیشتر از آن بر آنچه که باید جایگزین چنین وضعیتی گردد، انگشت گذاشت و تاکید کرد. امروز این امر تنها در سطح نیروهای انقلابی مطرح نیست، امروز این امر دیگر به خواست و اراده عمومی توده های زحمتکش سراسر ایران مبدل گردیده است. اگر مشخصه اصلی جنبش سرنگونی رژیم شاه، در وجوه اساسی خود، خودبه خودی بودن آن بود، مشخصه بارز جنبش کنونی در اساسی ترین نمودهای خود برعکس سال ۵۷ آگاهانه و هدفمند بودن آن است. اگر جنبش قبل از بهمن ۵۷ یک جنبش فنی بود، جنبش امروز دیگر در وجوه اساسی خود یک جنبش آشنایی است. این امر آشنایی که در جریان قیام بهمن و در ابتکار عمل مستقل توده ها، خود را بطور پراکنده و نمونه وار آشکار ساخت و در تمامی عرصه ها مورد پیروش حاکمان جدید قرار گرفت، امروز به نیروی قدرتمندی در معادلات سیاسی ناشی از آموزش عملی توده ها، مبدل گردیده است. شکل سلطانه خلقهای تحت ستم یکی از تجلیات بارز این وجه از مبارزه توده ها

از کجا باید...

هنوز هم با قدرت هر چه تمامتر در کردستان انقلابی رژیم - جمهوری اسلامی را هر روز در گوشه‌ای با ضربات مرکب و روبرو می‌سازد؛ خاطره شوراها و خلق ترکمن و رهبران قهرمان آن همچون اسطوره جاودانه در قلب زحمتکشان ترکمن محراب شعله می‌کشد. قدرت و ولایت شوراها و کارگری در کارخانه‌های بزرگ سراسر ایران و اقدام انقلابی آنها در معادله کارخانه‌های سرمایه‌داران بزرگ، و کنترل تولید و توزیع آنها، و هنوز هم در ذهنیت تاریخی طبقه کارگر ایران به عنوان تجربه ای نزدیک و پربار زنده است. اعتصاب سراسری کارگران شرکت نفت و دستاوردهای آن هنوز هم بر تارک دستاوردهای درخشان جنبش طبقه کارگر ایران می‌درخشد؛ خاطره شورای سراسری شرکت نفت سازمانگر این اعتصاب که کمترین رژیم پهلوی را شکست و عملکردهای متعدد آن هنوز هم نه تنها فراموش نشده است، بلکه هر روز زنده تر می‌گردد و به عنوان یک قدرت بالقوه در جنبش کنونی ایران محبوب می‌گردد.

اینها نمونه‌های حاشیای جدی ترین نطفه‌های پرتوان ایجاد یک جامعه دیمکراتیک بودند که در قیام بهمن درخشیدند و بعد از آن نیز سه حیات خود ادامه دادند و هر کدام به نوبه خود و در بخشی از حیات اجتماعی کارگران و زحمتکشان ملیتهای سراسر ایران گوشه‌ای از جامعه‌ای را به نمایش گذاشتند که توده‌های انقلابی می‌توانند تحت چنان شرایطی برای اهداف انقلابی خود دست یابند و بتوانند سرنوشت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی خود را در دست گیرند، امری که امروز در جامعه ما دیگر نیاز به اثبات ندارد.

توده‌های زحمتکش سراسر ایران بعد از قیام بهمن دیدند که چگونه دستاوردهای آنها به آسانی به تاراج رفت، چگونه نه تنها گذشته، بلکه بسیار بدتر از آن، احیا گردید،

چگونه جنگ‌های خونینی در همان فردای سرنگونی رژیم شاه به خلق کرد و خلق ترکمن تحمیل گردید، چگونه خلق عرب قتل

- عام گشت، چگونه شوراها و کارگری مورد یورش قرار گرفته چگونه دوباره زندان‌ها روز - به روز پر از فرزندان قهرمان توده‌ها گردید، بساط شکنجه و برهه گشت، اعدام نه تنها انقلابیون، بلکه حتی مردم عادی نیز به یکی از امور

خلق قهرمان کرد، امروز دیگر بیش از هر زمان دیگری به این امر محل واقف است که وقتی که آزادی برای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران وجود داشته باشد و وقتی که خلق ترکمن و خلق عرب در اختیار و تحت انقیادستم ملی به سر برند، علیرغم قدرت کنونی خود و نیز از یورش مرتجعانه حاکمیت سرمایه داری وابسته در امان نخواهد بود.

مداول در دوران جمهوری اسلامی مبدل گشت، انواع و اقسام قوانین ارتجاعی و ادعیه و اوراد قرون وسطایی از دل اعماق قرون به بسیاری طلبیده شد تا برگ محتوم سرمایه را به تاخیر اندازد. ابتدائی ترین حقوق نسبی از جمعیت کشور یعنی زنان طلب گردید، دانشجویان دانشگاهها به رگبار بسته شد، جنبش دانشجویی تا رومار گردید، خلق کرد مورد یورش واقع گشت، و شهرها و روستاهای کردستان قهرمان یکی پس از دیگری بمباران گردید و عملاً در تمامی عرصه‌های فعالیت اجتماعی اعلام جنگ آشکاری به توده‌های انقلابی داده شد و به موازات آن و برای کاستن از شدت چنین جنگی و انحراف مسیر آن، جنگ خارجی شعله ور گردید و هر روز تعداد بیشتری از فرزندان زحمتکشان را با تحمیل و نیرنگ و فریب به قتلگاههای خویش کشانده و نوجوانان ۱۲ و ۱۳ ساله را از پشت نیمکت‌های مدرسه به سوی جبهه‌ها روانه ساخته و در حلقوم خود بلعیده، ... درست با پشت سرگذاشتن چنین تجربه‌ای است که در عمل برای کارگران و زحمتکشان خلقهای

سراسر ایران درس‌هایی فراموش ناشدنی داده است، آنها امروز به آینده‌ای می‌اندیشند و در جهت ایجاد آن تلاش می‌ورزند که تجربه بعد از قیام بهمن تکرار نگشته، نه تنها بر مصائب امروز آنها نیفزاید، بلکه به همه آنها برای همیشه خاتمه بخشد.

برای خلق قهرمان کرد نیز محل است که چگونه و در چه شرایطی می‌تواند به حق تعیین سرنوشت خود دست یافته، بروز هرگونه جنگی از نوع جنگ کنونی را غیر ممکن سازد، وجه عوامل مشخص اجتماعی می‌تواند تعدی به حقوقهای تحت دستم را برای همیشه مدفون سازد؟

امروز دیگر برای خلق کرد، رهائی ملی یک مفهوم کلی نیست امروز دیگر خلق کرد بر اهمیت این امر آگاه است که چرا بعد

از سرنگونی رژیم پهلوی، رژیم تازه به قدرت رسیده علیرغم آن که هیچ گونه نفوذ و اعتباری در میان توده‌های زحمتکش کردستان نداشته، علیرغم آن که هیچ گونه زمینه‌ای برای اعمال حاکمیت خود در کردستان نداشت، توانست چنین جنگ مهیب و ویرانگری را به خلق کرد تحمیل کرده، حقوق اولیه او را مورد یورش قرار دهد و برای آن که از تکرار چنین فاجعه‌ای در فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری نماید و احیای ستم ملی را به کور بسیاری، چگونه و چه کار باید بکند؟

خلق قهرمان کرد امروز دیگر بیش از هر زمان دیگری به این امر محل واقف است که وقتی که آزادی برای کارگران و زحمتکشان سراسر ایران وجود نداشته باشد و وقتی که خلق ترکمن و خلق عرب در اختیار و تحت انقیادستم ملی به سر برند، علیرغم تمامی قدرت کنونی خود و نیز از یورش مرتجعانه حاکمیت سرمایه داری وابسته در امان نخواهد بود. تنها زمانی که نظام ستم‌گرا نه حاکم که ستم ملی یکی از تنگناهای وجودی آن و محمول موجودیت آن است، درهم شکسته نشود و پایه‌های قدرت آن فرو نریزد، رهائی ملی و کسب حق تعیین سرنوشت برای او امکانپذیر نیست. واحساس و درک چنین

از کجا باید...

همسرنوشتی غیرقابل انکار است که امروز می باید حتی در جزئی ترین مسائل مربوط به سازماندهی هر چه قدرتمندتر مبارزه کنونی مدنظر قرار گیرد و بر اصول اساسی ای که بر مبارزه سراسری کارگران و زحمتکشان خلقهای ایران حاکم است، نه تنها تاکید هر چه بیشتر گردد، بلکه هرگونه برخورد غیرمسلوانه و انحرافی نسبت به این اصول که معمول و خونبهای مبارزه قدرتمند توده ها در طول سالیان طولانی است و تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر جهان در طول بیش از نیم قرن اخیر نیز بر آن صحت گذاشته است، خط و مرز روشن و جدی ترسیم نموده، راه را برای تحقق آن باز نماید. و نه تنها در اراده عملی خود بلکه در اصول برنامه های خود نیز بر آن تاکید هر چه بیشتر کنند.

جنبش انقلابی خلق گردد، امروز باید علاوه بر تاکید اساسی بر اصول اولیه جنبش برنامه های خود با قدرت تمام به اعمال آنها بپردازد و از این طریق نه تنها در صفوف خود زمینه های قدرتمند اتحاد عمل های پایدار در مبارزه کنونی بین نیروهای مختلف سیاسی با هر مرام و مسلکی و روش سیاسی ای، ایجاد نماید، بلکه این اتحاد عمیق را به وسیله واسطی برای ایجاد یک اتحاد سیاسی سراسری برای تحقق آرمان های انقلابی خلقهای سراسر ایران تبدیل سازد و جنبش حرکتی را در برنامه عاجل امروز خود قرار دهد.

جنبش برنامه های درکلی - ترین وجوه خود می باید بر اصول اساسی زیر تاکید نماید:

۱- درهم شکنن پایه های نظامی، بوروکراتیک نظام حاکم اعم از ارتش و سپاه و بسیج دادگاه های انقلاب، بوروکراسی دولتی و جایگزینی آنها با ارگانهای اقتدار شونده ای اعم از شوراهای مسلح کارگران و دهقانان، سربازان و غیره در تمامی سطوح زندگی اجتماعی

۲- تضمین حقوق و آزادی های دمکراتیک توده ها به عنوان یک اصل بدیهی، شامل گسترده ترین آزادیها از قبیل آزادی بیان عقاید، حق تشکل برای تمام اقشار و طبقاتی که در انقلاب دمکراتیک ایران شرکت فعال دارند تا تضمین گیری های اساسی در زمینه عزل و نصب مقامات منتخب توسط ارگانهای اقتدار توده ای که وجود آنها اساسی و بنیان ایجاد یک جامعه دمکراتیک است

۳- جدایی دین از دولت و حذف آن از برنامه کلیه موسسات آموزشی توده ای و غیره و امر خصوصی قلنداد نمودن آن و بدین وسیله لغو هرگونه بهره گیری از آن در جهت انقیاد کورکورانه و تحمیل توده ها تحت هر نام و عنوانی و حذف آن از تمامی قوانین مدنی

۴- ضبط سرمایه های بزرگ و وابسته به امپریالیسم و سپردن کنترل تولید و توزیع در جنبش موسساتی، به دست شوراهای کارگری، و تاکید بر ۴۰ ساعت کار و دوروز تعطیلی در هفته برای کارگران تمامی ملیتهای ایران

۵- ضبط املاک و ابزار و وسائل تولید ملکین و زمین داران بزرگ و انتقال آنها به دهقانان متشکل در شوراهای اتحادیه های دهقانی

۶- به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای کلیه ملل ساکن کشور کثیرالملله ایران تا حد جدایی کامل و تشکيل دولت مستقل ملی، بدون هیچ گونه قید و بندی، و پیشنهاد اتحاد داوطلبانه تمامی ملیتهای سراسر ایران برای ایجاد جمهوری دمکراتیک خلقهای ایران، بر اساس منافع آتی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در مبارزه طبقاتی جاری، و اعلام حق خودمختاری وسیع منطقه ای در چارچوب یک ایران دمکراتیک برای تمامی ملیت ها

و بدین وسیله راه و مسیر آینده جنبش انقلابی خلق گردد را در ارتباط با جنبش سراسری خلقهای ایران مشخص نموده، و بر پایه جنبش اصولی نه تنها در وحدت درونی این جنبش، بلکه

در جهت اتحاد مبارزات سیاسی کارگران و زحمتکشان خلق گردد با سایر خلقهای ایران گام بردارد. اگر اصول کلی جنبش برنامه های اموری هستند که تحقق آنها در سراسر ایران می باید تضمین شود و به عنوان اهداف اولیه جنبش کنونی باید بر آنها تاکید نمود، اصل ششم جنبش برنامه های آن بخش مشخصی است که امروز در گردنستان انقلابی باید پیرامون آن و چگونگی دستیابی به اهداف مندرج در آن تلاش هر چه بیشتری نمود، این امر از اهمیت است تعیین کننده، اصول اولیه برنامه فوق نه تنها جنبش نمی گاهد و آنها را به عنوان عاجل ترین اقدامات هرگونه مبارزه پیروزمند کنونی منتفی نمی سازد، بلکه اساسا تاکید بر آنها را در هرگونه ائتلاف و اتحاد با نیروهای سراسری به عنوان رکن اساسی و اولیه دوجندان می سازد. این اصول تنها موارد کلی ای هستند که لازمه هرگونه پاسخ روشن به مسائل کنونی جنبش انقلابی اعتقاد و پای بندی به آنهاست. جنبش انقلابی خلق گردد هم اکنون در مبارزه بی پایان و گسترده خود در اشکال مختلف همچون دیگر خلقهای سراسر ایران سرخشانه با ارگانهای ارتجاعی سرکوب رژیم جمهوری اسلامی به ویژه نیروهای سرکوب آن مواجه است، و از یک سو از طریق آنها و به وسیله آنها سرکوب می شود، خانه و گاشانه او برباران و توب باران می گردد، فرزندان دلیر او گروه گروه به جوخه های اعدام پاسداران سپرده می شوند و از سوی دیگر هر روز و در هر گوشه ای از گردستان با تمام توان در جهت درهم شکنن آنها گام بر می دارد و هر یورش آنها را به ضد خود تبدیل می سازد، و ضرورت درهم شکنن جنبش دستگاه عربی و طویل سرکوب و اختناق را با گوشه و پوست خود لمس می کند، و انگاه به قدرت خود را به عنوان تنها ضامن رهایی در حضور قدرتمند نیروهای مسلح خلق کرد تجربه می کند. و آزادی ها و حقوق دمکراتیک اولیه ناشی از حضور این نیروها را در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی در کمین است

از کجا باید...

زندگی امروز خود درک می نماید. و رهائی از قید و بندهای منبسط. از هرگونه محدودیت های ناشی از زندگی در زیر سیطره یک حکومت متکی بر سرنیزه و پلیس و مذهب، راهم چون تنفس در هوای بهاری هرچند در محدود - ترین شکل خود احساس می کند. مسائلی که اساسی ترین حقوق مربوط به حق تعیین سرنوشت تشکیل می دهند، و لازم است برگونه شرکت دمکراتیک بوده ای در تعیین آن هستند. دمکراتیک انقلابی بدون تردید در حرکت کنونی و در شرایط حاد مبارزه کنونی کاملاً وجود دارد، آنچه که در کردستان انقلابی باید انجام گیرد تثبیت و گسترش آگاهانه آنها و تبدیل نمودن این امر به یک اهرم قدرتمند است. و تاکید بر آنها به عنوان پایه و اساس هرگونه حرکتی در جهت ایجاد انجام ضروری در شرایط کنونی است. این امر تاکید بر مضمون انقلابی و دمکراتیک مبارزه نه تنها کارگران و زحمتکشان خلق کرد، بلکه کلیه خلقهای ایران در مقطع کنونی رشد و شکوفایی مبارزه طبقاتی در جامعه بحرانی است. و هراشتلاف و اتحاد واقعی حول این اصول اولیه می تواند مفهوم انقلابی یافته و بیانگر پاسخ درست و اصولی به وظائف مبرم در قبال جنبش تسوده ای محسوب گردد. و اگر در شرایط کنونی مبارزه خلق کرد تاکید بر آنها یعنی اقدام عملی در جهت ایجاد ارگانهای تسوده ای و سازماندهی قدرات تسوده ای و از این طریق تضمین تمامی حقوق دمکراتیک تسوده ها است. در ارتباط با پیوند تنگاتنگ این جنبش با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران تاکید بر نامه ای بر آنها در شرایط کنونی از اهمیت درجه اول برخوردار است که از کانال طرد و منزوی ساختن بر نامه ها و اشتلاف های بورژوا - رفرمیستی تحقق عملی پیدا می کند. و کارگران و زحمتکشان

خلق کرد با چنین معیارها و اصول برنامه ای است که متحدین واقعی خود را در عرصه مبارزه کنونی بازشناخته و در جهت گسترش هرچه بیشتر مبارزه آتی علیه نظم حاکم و رژیم حامی آن می باید گام بردارد و نیروهای سیاسی موجود که مدعی رهبری مبارزه آنان هستند تنها با پذیرش چنین اصولی حقیقتاً نمایندگی سیاسی واقعی آنان را خواهند داشت. و هرگونه شرایطی که این اصول در ارتباط حاضر، مفهومی به جز قربانی کردن جنبش انقلابی در مصلح بورژوازی و به شکست کشاندن آن نخواهد داشت. جنبش انقلابی امروز در روند رو به گسترش خود، حدود مکرانسم و انقلابی بودن را به طور مشخص و در برخورد به مصلحت اساسی مبارزه تسوده ای معین نموده است و در عمل اقدام انقلابی تسوده ها به نیروی مادی غیرقابل انکاری مبدل ساخته است. امروز دیگر مدعی دمکراسی به طور کلی بودن در شرایطی که

اگر در شرایط کنونی مبارزه خلق کرد تاکید بر (ارگانهای اقتدار تسوده ای) یعنی اقدام عملی در جهت ایجاد ارگانهای تسوده ای و سازماندهی قدرت تسوده ای و از این طریق تضمین تمامی حقوق دمکراتیک تسوده ها است. در ارتباط با پیوند تنگاتنگ این جنبش با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران تاکید بر نامه ای بر آنها در شرایط کنونی از اهمیت درجه اول برخوردار است.

دمکراسی در اشکال مشخص و ملموس آن، حتی هرچند در نطفه ای ترین اشکال خود را آشکار ساخته است، بدون تردید توهم پوچی است و طرفداران "دمکراسی برای ایران" باید روشن سازند که آنها خواهان درهم شکستن ابزار سرکوب تسوده ها یعنی ضد دمکراسی به مفهوم واقعی آن می باشند. حافظ و ابقای آنها و دمکراسی ای که آنها برای ایران

می خواهند از ویرانه های دستگاه

بوروکراتیک - نظامی حاکم برمی خیزد یا از تعمیم و تعدیل دوباره و نهایتاً تقدیم مکرر آن. و گرنه این گونه

برخوردهای کلی گویای هیچ امر مشخصی نیست. مسائلی هستند که از زمان آگاهی به آنها پرداخته می شود و یا در پشت سر آن منافع طبقاتی معینی لانه کرده است. این امر همانقدر از خدمت به انجمن عمومی جنبش به دور است که گرایشات خود محورین که با ادعای دمکرات و انقلابی بودن در حرف، در عمل هیچگونه اقدام و عملکرد مشخصی برامون آنچه که ادعای آنها را اثبات نماید، از خود آشکار نمی یازند. و "دمکراسی انقلابی" را تنها در دفاع جنبش از منافع گروهی و دیدگاههای تنگ نظرانه خود، خلاصه می کنند.

آنچه که ضرورت مبرم روز است درهم شکن محدودیت های ذهنی و عینی چنین گرایشاتی به نفع عینیت گسترده مبارزه طبقاتی پرولتاری است که امروز در هر گوشه خاک کشور کثیرالمله ما و بویژه در کردستان انقلابی با شدت و حدت هرچه تمامتری جریان دارد. این امر مبرم نیست مگر از طریق سازماندهی آگاهانه و فعال اراده تسوده ها در جهت تغییرات انقلابی اساسی در نظام سیاسی و اجتماعی کنونی جامعه ایران، که به زندان کارگران و زحمتکشان ملیت های گوناگون و مرکز انواع اقسام ستم و بی حسی عمومی مبدل گشته است. جنبش انقلابی خلق کرد با

حرکت از جنبش نقطه عزیمتی است که می باید به سازماندهی مشخص مبارزه کنونی و انجام هرچه بیشتر آن در تمامی عرصه ها گام بردارد. دیدگاههای بورژوازی را در صفوف مبارزه کنونی متفرد ساخته و مظهر نمادی از درغلطیدن به ناسیونالیسم گور و آراشه استراتژی جداگانه و متفک از استراتژی عمومی جنبش انقلابی خلقهای سراسر ایران اجتناب ورزیده، منافع حیاتی جنبش را در برنامه و عمل خود متبلور ساخته، بدین وسیله با نفسی

از کجا باید...

عوامل تشخت کنونی که در اشتلاف
ها و انفرادمنشی هسای
کنونی خود را به منصفه ظهور
میدانند، راه را برای بسک
سازماندهی انقلابی و دمکراتیک
هوار نماید، و بدین وسیله
گام های موثری را در جهت ایجاد
اراده واحد مبارزاتی در عرصه
ملی و در عرصه سراسری بردارد.
این وسیله، عامل مبرم روز است.

از چه طریقی؟ و با چه مضمونی؟

اما چگونه میتوان به چنین
اراده واحدی دست یافت؟ آیا
اراده واحد در مبارزه کنونی
یک ایده آل دست نا یافتنی است
با پاسخی مشخص به ضرورت مبرم
جنبش؟

اگر حقیقتاً نیروهای
سیاسی به امر قانونمند تا مبین
چشم اندازهای روشن جنبش و انگیزه
به نیروهای مادی این جنبش،
اهمیت واقعی خود را بدهند و
تنها گمانال تا مبین جنبش
چشم اندازی را انگیزه بی قید و شرط
به عوامل عینی جنبش کنونی و
سازماندهی اصولی آن معسوب
دارند، بدون تردید دستیابی
به اراده واحد مبارزاتی در
جنبش خلق کرد نه تنها واقعیت
خواهد یافت، بلکه به اهرم
قدرتمندی در معادلات سیاسی
کنونی و در مبارزه طبقاتی
جاری مبدل خواهد گردید.

شناخت اهداف جنبش کنونی
و تبیین اصول اولیه آن در
مفاد برنامه های و فراخوان جهت
اتحاد و اشتلاف حول آنها - هر
چند در خطوط اساسی خود - اگر
گام اول چنین حرکتی معسوب
شود، بی تردید اقدام عملی
برای تحقق آنها در پاهای ترین
وجوه سازماندهی جنبش کنونی
گام بسیار بزرگی است که اولی
بدون آن چیزی با در هوا و بی -
ارزش خواهد بود. جنبش کنونی
دیگر آنقدر تجربه دارد که
اهمیت این امر را درک نماید
و شرایط کنونی و دورنمای
آینده آن، نیز فرصت چندان
زیادی برای تعلل در تحقق این
امر باقی نمی گذارد.
نباید دچار این خطا گشت

۲- ایجاد زمینه های اتحاد
داوطلبانه ملیت کرد -
ملیت های سراسر ایران، تعیین
اساسی ترین خطوط خودمختاری
وسیع منطقه ای در چارچوب
ایرانی آزاد و دمکراتیک و
تعهد مشترک در تبلیغ، ترویج
و دفاع از این خطوط اساسی،
تعب الیمن قرار دادن آنها
در شرایط و مطالبه آنها به
عنوان خواسته مشخص خلق کرد با
توجه به افت و خیز جنبش عمومی
توده ها در سراسر ایران.

۳- به کارگیری کلیه
امکانات وسیع و گسترده
توده های خلق کرد در جهت
بشتیبانی و تثبیت این مطالبات
از طریق تشکل آنها در ارگانهای
سلطه توده ای همچون شوراهای
سلطه کارگران و زحمتکشان شهر
و روستا ایجاد یک جامعه
دمکراتیک و انقلابی برپیشانی
این ارگانها.

۴- اداره امور کردستان
بر بنیان اصولی اساسی
خودمختاری خلق کرد و موازین
دمکراتیک و انقلابی و التزام
مشترک و همه جانبه به رعایت
بدون قید و شرط آنها، و کار بست
عملی آنها در شرایط کنونی و
متناسب با وضعیت عمومی جنبش
و حرکت در جهت ایجاد تحولات
انقلابی - دمکراتیک در عرصه های
مختلف زندگی سیاسی، اقتصادی،
اجتماعی خلق کرد، از طریق
ایجاد زمینه های مشارکت فعال
توده ها در پیشبرد مبارزه کنونی
در تمامی زمینه ها.

می تواند نقطه آغاز حرکتی باشد
که انجام درونی و یکپارچه
جنبش را تضمین نماید. آنچه که
اهمیت اساسی دارد، حرکت از
چنین نقطه عزیمتی می باید در
هله نخست خود را در امر
سازماندهی توده ای و نهایی
جنگ کنونی با رژیم جمهوری
اسلامی آشکار سازد.

سازماندهی اراده، بالقوه
و پتانسیل روبه تزاید جنبش
توده ای در کردستان در جهت
هر چه مستحکم تر نمودن صفوف
مبارزه کنونی، اساسی ترین
گام در جهت جامعه عمل پوشاندن
به یک اتحاد عمل پایدار است.
باید به این واقعیت اذعان داشت
که تشکل گسترده و هماهنگ توده های

که اراده واحد یک ایده مجرد
است، با یک شعار بدون زمینه
مادی. اراده واحد امروز در
عمل خود را در مقابلیت توده ای
وسیع و در مبارزه بی آسمان
خلق کرد به طور یکپارچه و
خلل نا پذیر آشکار می سازد.
اراده خلق کرد در دفاع از
حقوق دمکراتیک خود نه تنها

یکپارچگی و وحدت درونی خود را
به نحو افتخار آمیزی نشان
داده است بلکه در مقابلیت
حساس جنبش این امر واقعی به
نیروهای سیاسی نیز ظهور
اختلافات موجود، دیکته کرده
است، منافع کنونی جنبش
نه تنها حفظ این اراده واحد و
یکپارچگی خلل نا پذیر کارگران
و زحمتکشان خلق کرد را ایجاد
می کند، بلکه اهمیت فزاینده
نمودن این اراده و تبدیل آن
به یک اهرم بالفعل توده ای را
نیز برای تداوم آتی جنبش
کنونی مدجندان می سازد. این
امر میسر نیست مگر از طریق
طرح و برنامه روشن و حرکت
آگاهانه در جهت آن. چنین طرح
برنامه ای می باید در خطوط کلی

خود، اهداف کنونی مبارزه خلق
کرد را در وجوه اساسی آن بطور
مشخص تر برگرفته و بر آنها
تاکید نماید، و تمامی نیرو
های سیاسی در کردستان را ملزم
به اجرای آنها و پای بند به
نتایج منتج از پذیرش چنین
برنامه ای بنماید.

بر هیچکس پوشیده نیست که
نخستین اصل حرکت به سوی ایجاد
هرگونه اراده واحد پذیرش
نقاط مشترکی بهر امان مسائل
عمومی جنبش و تدوین یک
برنامه اصولی برای گسترش
همکاری ها و همگامی های ضروری
جهت ایجاد چنین اراده ای است
به نظر ما چنین حرکتی در شرایط
کنونی با پذیرش اصول اساسی
زیر در جنبش انقلابی خلق کرد
یعنی،

۱- کسب حق تعیین سرنوشت
از طریق درهم شکستن حاکمیت
سرمایه داری وابسته به
امپریالیسم جهانی به سرکردگی
امپریالیسم آمریکا، و رژیم
حاکم آن، یعنی رژیم جمهوری
اسلامی در اتحاد مبارزات سیاسی
تنگاتنگ با کارگران و
زحمتکشان کلیه ملل ساکن
ایران.

از کجا باید ...

به خودی خود صورت نمی‌گیرد، بلکه یک امر آگاهانه و با برنامه، از پیش تعیین شده می‌باشد. درست است که منافع حیاتی و عمومی توده‌ها آنها را به حرکت در جهت برآوردن این خواسته‌های سیاسی می‌کشاند و حتی آنها در مکان خود، شکل‌های خلق خود را نیز در محدوده معینی برای انجام این کار به وجود می‌آورند ولی این کار الزاماً آنها را به یک انجام همه‌جانبه و شکل زار می‌دهند، رهنمون

نمی‌گردد، اگرچه ناخودآگاه ممکن است در مقاطع خاصی و در بخش‌های معینی چنین امری موقتاً و تحت شرایطی خود به خود به وجود آمده باشد، استمرار چنین شکل‌هایی نیز در نهایت در گرو ایجاد رابطه آگاهانه با مضمون فعالیت و عملکردهای آینده آنها می‌باشد. آنچه که در تمامی زمینه‌ها این شکل‌ها و حرکت‌های پراکنده کم‌دامنه با وسیع را به هم گره زده، پیوند منافع بین آنها ایجاد می‌نماید و همه آنها را در جهت رسیدن به اهداف معینی هدایت می‌کند و به اهرم قدرتمندی جهت تعیین نظم منافع موجد آنها تبدیل می‌نماید، بدون تردید عنصر گاهی در مبارزه است که باید در وجود و حضور سازمان‌های سیاسی، تبلور مادی خود را آشکار سازد. بزرگترین بدبختی برای یک جنبشی، نزول چنین نیروهایش که در حقیقت باید رهبری مبارزات متشکل توده‌ها را داشته باشند، به حد وجود خود همین حرکت‌ها و شکل‌های خودبخودی و نفی عملی نقش و تاثیر عنصر آگاهی است. اگرچه این امر خود نیز از پایگاه و خاستگاه طبقاتی معینی نشأت می‌گیرد و از نقش و جایگاه اقدار و طبقات مختلف درگیر در یک مبارزه برمی‌خیزد، حد و حدود معین رتبه‌بندی آنها را نیز آشکار می‌سازد.

آنچه که مسلم است نمی‌توان گفت در شرایط کنونی جنبش خلق کرد، کسی می‌تواند نامحدود نمودن خود به واقعیت‌های

خود به خودی و موجود جنبش، امر هدایت این جنبش را انجام داده با گامی در جهت آن بتواند بر دارد، واقعیت‌های مبارزه کنونی آنچنان پیچیده و پیچیده و در عین حال سرخشاوند که هر کسی را با هر منافع طبقاتی مجبور به پاسخ روشن به معضلات کنونی آن می‌کنند. امروز دیگر نمی‌توان بدون سازماندهی منظم و کاملاً دقیق در گردستان توازن جنگ انقلابی را به نفع توده‌ها تفسیر داد، همانطور در بخش‌ها و حوزه‌های مختلف این مبارزه نیز این امر میسر نیست لذا، با توجه به این واقعیت سرخشاوند که باید از تحارب پنج ساله گذشته آموخت و حقیقتاً محدود نگریهای سکتاریستی را کنار گذاشت و با درک قانونمند از نقاط افتراق سازمانی و غیره که خود زائیده خاستگاهها و بایگاههای طبقاتی متفاوت است، نقاط اشتراک مشخص در مبارزه کنونی را روشن نموده، حول محور آنها، به سازماندهی هر چه گسترده‌تر توده‌ها و مبارزات

خودش ارگان‌های (۱) اقتدار توده‌ای، و هدایت متمرکز و برنامه‌ریزی شده آنها در حقیقت پایه‌های مادی موجودیت یک جبهه سیاسی گسترده‌ای است که حقانیت خود را از این اساس آن بلا تفرم امضاء شده از سوی این یا آن نیرو یا نیروهای دیگر، بلکه از واقعیت مبارزه طبقاتی کنوسی کسب می‌نماید.

آنها و نیز سازماندهی گسترده جنگ کنونی پرداخت و هرگونه اتحاد و اشتتالی را نیز تابع منافع عمومی جنبش و نه منافع خاص گروهی خود ساخت. باید از همین امروز که دیر است و زود نیست، اهمیت این مساله را درک نمود و وسیعاً به ایجاد و تشویق توده‌ها برای این ایجاد ارگانهای اقتدار توده‌ای از قبیل شوراهای واقعی و مسلح توده‌ای دست بازید و در درون چنین ارگانهایی به همکاری - ترین وجهی بشود امور را سازماندهی کرد، آزادی تبلیغ و ترویج در درون آنها را به تمامی نیروهای سیاسی در شناخته و تفاوت نهائیتی در

انتخاب این یا آن خط و مشی را به عهده، خود توده‌ها گذاشت و از هرگونه محدودیتی در این زمینه احتساب ورزید. و تمامی تبعات ناشی از وجود چنین ارگانهای مراصری در گردستان را اعم از امکانات سیاسی و غیره و مساله هدایت آنها را در وسیع ترین شکل خود به قدرت بسپار و سازماندهی قدرت توده‌ای حول برنامه، روشن سیاسی، در درون نیروهای سیاسی حل و فصل نمود و هر نیرویی را که از منشور چنین شکل‌هایی و توافقی‌های برنامه‌ای، عدول نمود در درون این ارگانها و از طریق خود آنها نه تنها افشا نمود، بلکه منزوی و مطرود نیز ساخت. میزان توانایی در بسیج و سازماندهی توده‌ها و التزام هر چه بیشتر به برنامه، سهم و مسئولیت هر چه بیشتری را بر گردن این یا آن نیرو می‌گذارد و گسترش یا کاهش آن (مسئولیت) نیز صرفاً منوط به چگونگی برخورد با اهداف انقلابی توده‌ها و شایستگی در هدایت مبارزه برای دستیابی به آنهاست نه چیز دیگر. و مبارزه بر سر چگونگی این هدایت و آشکار ساختن شایستگی بیشتر نیز از درون خود چنین ارگانهایی به دستورات آنها و به صورت خودخواه گرفت تا از طریق برخورد های پراکنده سیاسی و غیره.

خود این ارگانها و هدایت متمرکز و برنامه‌ریزی شده آنها در حقیقت پایه‌های مادی موجودیت یک جبهه سیاسی گسترده‌ای است که حقانیت خود را نه از این یا آن بلا تفرم امضاء شده از سوی این یا آن نیرو یا نیروهای دیگر، بلکه از واقعیت مبارزه طبقاتی کنونی کسب می‌نماید و طبیعتاً صرفاً یک توافق بدون هیچ گونه بازتاب عملی نخواهد بود، بلکه انعکاس عینی خود را در هدایت هر چه قدرتمند توده‌ها آشکار خواهد ساخت.

شرکت در چنین جبهه مبارزاتی نه تنها فعالیت خود ویژه نیروهای سیاسی را محدود نخواهد ساخت، بلکه زمینه مادی هر چه گسترده‌تری را نیز برای انجام وسیع تر آنها به وجود خواهد آورد.

از کجا باید...

تنها مشاخره برسر اختلافات کوچک و بزرگ را، تعطیل نخواهد بود، بلکه ایجاد توده‌ای به آنها داده و به کانال دمکراتیک و مشخص آن خواهد انداخت. منشور چنین جبهه‌ای بدون تردید حاوی ریزترین نکات در زمینه‌های مختلف از جمله در این زمینه خاص نیز خواهد بود و می‌باید همه حقوق بی قید و شرط شرکت کنندگان را نیز تضمین نمود.

چنین جبهه گسترده‌ای که حقانیت خود را از توده‌های مشکل می‌گیرد می‌باید ارتش وسیع توده‌ها را نیز به وجود آورده، هدایت نماید، و نه تنها نیروهای مسلح کنونی سازمانهای سیاسی را نباید در چنین ارتش گسترده‌ای تحلیل برده و محدود نماید، بلکه امکانات گسترده و هر چه وسیع‌تری را برای رشد و گسترش آنها نیز ایجاد نماید، نه تنها باید توازن کنونی نیروها را درهم شکنند، بلکه این توازن را در جهت اهداف چنین جبهه‌ای گسترش دهد. نه تنها آزادی تبلیغات سیاسی در درون توده‌های مسلح را محدود ننماید، بلکه همچون سایر زمینه‌ها کانال روشن و مشخص توده‌ای آن را نیز تضمین نماید.

چنین جبهه گسترده‌ای لزوماً می‌باید هیأت هدایت کننده خود را بر اساس توازن درونی خود انتخاب و حق عزل و نصب آنها را در هر شرایطی که توازن نسبی به هم خورده با نیروهای انتخاب شده دچار خطاهای مکرر کردند بر طبق اساسنامه روشن و صریحی برای ارگانهای انتخاب کننده توده‌ای به رسمیت بشناسد.

این ارگانها در اشکال متفاوت خود در شرایط و موقعیتهای زمانی و مکانی و با توجه به اوضاع امنیتی خود می‌توانند ایجاد گردیده، به صورت مخفی یا علنی به رتق و فتق امور توده‌ها از طریق سبق ارتباط مستقیم و غیرمستقیم اقدام نموده و به عنوان بازگاه اصلی جنبش کنونی و پایه‌های

قدرت آن عمل کنند.

هر نیرویی که حقیقتاً به منافع توده‌ها و به آینده جنبش کنونی خلق کرد می‌اندیشد و تنها بر آزاده و امکانات بالفعل و بالقوه توده‌ها متکی است می‌باید در مقابل این کار احساس مسئولیت نموده، پاسخ روشن و مقتضی را به این امر بدهد، امری که در طی سالیهای گذشته به کلی به آن بهاشی داده نشده است.

اما امروز جنبش انقلابی خلق کرد با مسائل حاد و مبرمی رو در روست که حقیقتاً و حتی در وضعیت کنونی نیز پاسخ ضرور و مقتضی بدان نمی‌تواند موقوفه آینده کرده، حتی این آینده سازماندهی چنین قدرت توده‌ای نیز باشد. در رأس تمامی این مسائل ایجاد هماهنگی و عملکرد مشترک فیما بین نیروهای مسلح کنونی در مقابل با هرگونه بی‌روشن رژیم است، که امروز دیگر ایجاد بسیار گسترده‌ای به خود گرفته است.

این هماهنگی در میان پیشمرگان نیروهای سیاسی کنونی و عمدتاً بین نیروهای حزب دمکرات کردستان و کومله، که اینک در مرحله حاس جنگ کنونی هر کدام به توبه تمسود آرایش جدیدی را به خود گرفته‌اند و واقعیت تحرک دوماه گذشته نشان داد که سازماندهی هدفمند و آگاهانه حتی در نازل ترین شکل آن نیز قادر کاربرد در بالا بردن پتانسیل و انشروزی نیروها دارد، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ایجاد فرماندهی واحد و سازماندهی هدایت شده در درون نیروهای مسلح و حتی در شکل اتحاد عمل های منطقه‌ای و غیره و در محدودترین شکل آن نیز تا تاثیرات عمیقی در قدرت بخشی حرکت کنونی جنبش انقلابی خواهد داشت. این امر حتی در نازلترین شکل خود یک گام اساسی در جهت دست یافتن به یک توافق عمومی در ایجاد سازماندهی نوین جنبش کنونی خواهد بود.

ایجاد هماهنگی فیما بین نیروهای مسلح خلق کرد (به ویژه پیشمرگه‌های دوشیروی فوق) در حقیقت گام نخست حرکت به سوی ایجاد یک جبهه وسیع توده‌ای در کردستان انقلابی و پایه مادی

بخشیدن به یک ائتلاف عمیق سیاسی در سطح منطقه و پیوند ناگسستنی آن با نمایندگان واقعی تحولات انقلابی دمکراتیک در سراسر ایران است. این امر علاوه بر پاسخ به ضرورت عاجل مقابله هر چه جدی تر با یورش های رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، نطفه‌های اساسی گام های بعدی را نیز در خود دارد. فرماندهی واحد نظامی در حقیقت گام نخست ایجاد ستاد سیاسی - نظامی واحد برای خلق کرد و از این طریق حرکت در جهت ایجاد پیوند ناگسستنی مبارزاتی بین این خلق قهرمان با کارگران و زحمتکشان خلقهای سراسر ایران است، امری که می‌باید از طریق برنامه و عمل مشخص انقلابی - دمکراتیک تبلور عینی خود را آشکار سازد. و با نمایندگان واقعی چنین برنامه‌های اقشار و طبقات انقلابی پیوند خود را مستحکم نماید.

هیچ جنبشی بدون آنکه بتواند نیروی خود را مجتمع نماید و قدرت خود را در فشرده ترین شکل ممکن خسود سازماندهی کند، نه تنها به پیروزی نخواهد رسید، بلکه سلماً متحمل تلفات سنگینی نیز خواهد گردید، در یک جنبش عمومی نیروهای سیاسی مقتصد نمی‌توانند و حق ندارند کمتر کدام به نحو دلخواه خود، جنبش بالفعل توده‌ای را تکه پاره کرده و انرژی آن را در کانال های هائی که اجتناب از آنها امری میر است هدر دهند. و زمانی می‌توانند واقعا به رسمیت گرفته شده ارتقا، بایست که بتوانند بر الزامات عینی رتق و شکوفائی جنبش توده‌ای و مبارزه طبقاتی جاری پاسخ درخور و اصولی بدهند. طبیعتاً است در جنبش که اقشار و طبقات مختلف با تمایلات سیاسی مختلف شرکت دارند، بدون وجود نقاط اشتراک قابل اتکا، عملکرد مشترک امکان پذیر نیست و لسی این نقاط اشتراک را بایست

شناخت و در میان توده‌ها تبلیغ و ترویج نمود و بدین وسیله نیروهای موجود را در مقام انتخاب قرار داد. طبیعتاً هر نیرویی که در این زمینه نتواند با اهداف دمکراتیک و انقلابی جنبش کنونی که مضمون

انقلاب مشروطیت

از صفحه ۱

قرون بی خبری است و درست به همین لحاظ نیز یک نقطه عطف تاریخی در تاریخ مبارزات خلق ایران به شمار می رود و همین جنبه نیز قابل تجلیل و ارزیابی و بررسی است.

در ۱۲ مردادماه ۱۲۸۴ زیر سرچشمش توده ای دربار قاجاریه علیرغم تمامی عقب ماندگی و فترت حقیرانه خود حکم تأسیس "عدالتخانه" (در آن زمان مجلس را چنین می نامیدند) را صادر کرد و اشرافیت تن پرور و عقب مانده و دربوزه قاجاری که علاوه بر تمامی خصوصیات قرون وسطایی، دست آموز امپریالیست های انگلیسی و روس نیزگشته بود به عامل سیاست های استعماری و آلت پیشبرد آنها و دلال فروش بی قید و شرط تمامی منابع طبیعی و غیره کشور مبدل شده بود، با جن و گریختن خاصی خود، محتاطانه در مقابل سبلی که بر دین سوار گاهای آنها بر می می شد و بیم آن می رفت که این جلال و جسوت پوشالی و بی فطیلت را یکسره در موج خشاگین خود فروخورد، به عقب نشست و به "اندرونی" خزید و بر "قشقه" اوباش "موقتاً" گردن نهاد.

اما انقلاب مشروطیت "قشقه" اوباش نبود، بلکه حکم تاریخ بود. انقلاب اقشار و طبقات اجتماعی و در جهت پاسخ به ضرورت نفع و شکوفائی مبارزه طبقاتی در جامعه عقب افتاده ایران بود. انقلابی بود ضد فئودالیسم استعماری، که در آن اصناف، پیشه وران شهری و روشنفکران ترقیخواه نقش بسیاری داشتند، و آشفتگان اصلی آن را اکثریت غنیم توده های به فلاکت نشسته دهقانی تشکیل می داد. گرسنگی، قحطی و فقر و بیداد حاکم بر جامعه ایران آنروز، زمانی که با سلطه استعماری امپریالیسم روس و انگلیس و اخلات علنی آنها در تمامی امور جامعه، علاوه بر طریق به انحسار در آوردن منابع حیاتی

درآمد کشور و تصاحب آنها، درهم می آمیخت، اوضاع آشفته و غیر قابل تحملی را برای اکثریت قریب به اتفاق اقشار و طبقات اجتماعی فراهم می آورد. از یک سو نظام فترت فئودالی و از سوی دیگر استبداد فئودالیسی حاکم با عقب ماندگی شگفت انگیز خود، برای تأمین مخارج دربار و خدم و حشم خود، چوب چراغ سر تمامی منابع درآمد ملی زده، هر روز امتیازی را به دول امپریالیست واگذار می کرد و از سوی دیگر هرگونه فکری سر آزادخواهی و رهایی از وضعیت غیر قابل تحمل آن روز را در نطفه خفه می کرد.

چنین بود که جنبش ضد فئودالی و ضد استعماری مشروطیت با شعار حکومت قانون که خواست بورژوازی عقب مانده و تمايلات بورژوازی حاکم بر اقشار کسبه و پیشه وران شهری بود، در گرفت و طولی نکشید که به جنبش عمومی علیه استبداد حاکم مبدل گردید و خواهات گشایش "عدالتخانه" گردید.

در مدت بسیار کوتاهی جنبش چنان ابعاد بی خود گرفت که نهایتاً در ۱۲ مردادماه ۱۲۸۵ دربار قاجاریه را مجبور به امضای فرمان مشروطیت نمود. با صدور فرمان مشروطیت جنبش انقلابی کام های بس مهمی به پیش گذاشت، شرایط دموکراتیکی در سراسر ایران حاکم گردید، جنبش ضد امپریالیستی در جنوب علیه انگلستان و در شمال ایران علیه روسیه تزاری اوج نوینی یافت، جنبش کارگری جوان ایران در تهران و چند شهر مهم دیگر از جمله در بندرهای جنوب و تبریز و ... دست به تشکیل خود زد و اتحادیه کارگران چاپ و غیره در تهران تشکیل گردیدند، روزنامه ها و نشریات زیادی منتشر گشت، اعتراضات دهقانی شروع به رشد و شکوفائی کرد، صف بندی اولیه در آرشه زمین رشد هر چه بیشتر شکاف برداشت، عناصر بورژوازی به سوی مرتجعین و محدود نمودن رشد جنبش توده ای هر چه بیشتر تمایل پیدا کردند و در نتیجه عملاً میدان به تاخت و تاز مرتجعین دادند.

مجلس اول علیرغم ترکیب ناهمگون خود، زیر فشار حسن جو دمکراتیک مجبور شد تا اولین مهمی را در زمینه های مختلف به تصویب رساند، اختیارات شاه را محدود نماید، حق واگذاری منابع طبیعی به بیگانگان را به مجلس بسپارد و انجمن حسای شهری را که به مجمع دمکراتیک توده ها مبدل گشته بودند، به رسمیت بشناسد و غیره ...

اما همه اینها، چیزهایی بودند که برای مرتجعین دربار قاجاریه و جیره خواران امپریالیستها و خود امپریالیست ها "حقیقتاً" غیر قابل تحمل بودند، دربار قاجاری "عدالتخانه" را عین بدبختی محرم و تنی ماندن کسبه های گشاد بول و شکم های فربه و پایان بندوبست های پنهان و آشکار و خرج همه چیز حتی عرض و ناموس خود نیز می داشت، و به همین دلیل نیز، در هیئت این کلمه "ناهموار، هیولائی" را می دید که چنگ بر وجود او انداخته است.

اشرافیت قاجار اگر مدت فشار جنبش توده ای به امضای فرمان مشروطیت گردن نهاد، اما قسم خورد که به امضای خود تنف کند، و برای بر آوردن این قسم از هیچ کاری فروگذاری نکند، حتی اگر مجبور باشد "عدالتخانه" تحت حمایتی خود به بیگس از "دول معظم" یعنی امپریالیسم روس با انگلیس را تا تخت آرمیز - ترین حد آن نیز برساند، از تحت حمایتی این "عدالتخانه" منفور دست بنویسد و خیال خود را از وجود آن راحت کند.

بدین گونه بود در نهایت امر، بعد از توطئه های مکرر "عدالتخانه" یعنی مجلس شورای ملی به توبه پسته شد و آزادی - خواهان به دار آویخته شدند، انجمن ها تعطیل گشتند، روزنامه ها توقیف شدند، بسیاری از مدیران آنها حلق آویز شدند و قزاق های روسی به محض دفاع از شرف و ناموس "سایه" خدا و پدرتاجدار فراخوانده شدند. و یک بار دیگر وحشت و ترور بر عرصه پر جوش و خروش جامعه ایران سایه افکند.

بورژوازی زبون و درمانده در صفحه ۲۲

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

انقلاب مشروطیت

از صفحه ۲۱

و دلال منش آنجا که امکان یافت سکوت کرد و جان به سلامت برد، آنجا که خطر را در بیخ گوش خود احساس نمود به "دولت منظم" رقیب (امپریالیسم انگلیسی) پناه برد و بست نشست و بر پرچم "ملکه جهان" بوسه زد.

در این میان آنکه بیش از همه قربانی گشت و بر سر دار رفت، روشنفکران و نمایندگان اشرار متوسط شهری بودند، که استبداد صغیر انتقادی و خطابه های انقلابی و سیاسی روشنگری را به تمام و کمال از آنها بازستاند و در همان نخستین روزها، با رزتریسمن چهره های این نیرو را اصلاحی نمود، اما انقلاب مشروطیت عمق یافته بود، ریشه دوانده بود و به راحتی سرکوب آن میسر نبود. اینگونه بود که دربار فاسد قاجاری و اشرافیت حول وحوش آن با مقاومت بی نظیر توده های روبه رو گشتند.

ستون اصلی و نیروی محرکه انقلاب مشروطیت را در این دوران بر تلامذ، از یک سو دهقانان این کشور البده ترین نیروی جامعه تشکیل میداد که رهبری آن را اشرار خرده بورژوازی مختلف شهری به عهده داشتند و از سوی دیگر شرکت فعال و سازمانگرا نه عناصر سوسیال دمکراسی که بیش از همه به دلیل ضعف عمومی رشد نیروهای مولده جامعه عمدتاً در مرکز و در بخش های شمال ایران (در ارتباط با جنبش کارگری روسیه تزاری و سوسیال - دمکراسی روس و در میان کارگران مهاجر ایرانی) فعالیت داشتند، تشکیل میدادند. نخستین و قدرتمندترین دفاع از عدالتخانه از تبریز شروع شد و با وجود یورش گسترده ارتجاع و مزدوران روسیه تزاری قهرمانانه ماها مقاومت نمود. فدائیان مسلح تبریز بنده فرماندهی ستارخان و باقرخان و تحت هدایت "مرکز غیبی" تشکیلات مخفی سوسیال دمکراسی، توانست در طول چند ماه مقاومت کمزور ارتجاع را شکست و شکست ناپذیری اراده توده ها را بر او دیکته نماید.

اما گسترش روزافزون مقاومت توده های، بعد از به تنویر شدن مجلس و نتوانی استبداد محمدعلی شاهی در مقابل (حتی با وجود یورش نیروهای وابسته به امپریالیسم روس به تبریز قهرمان) با آن بسیاری از مرتجعین مخالف مشروطه را به لباس مشروطه خواهی درآورد، چنانکه در اکثر نقاط ایران به ویژه در مرکز ایران یعنی در اصفهان و در مناطق بختیاری، خان های بختیاری موزرانه خود را در رأس جنبش دفاع از عدالتخانه قرار دادند و در شمال ایران نیز معصام السلطنه و... در کسوت طرفداران مشروطه به لشکرکشی به سوی تهران اقدام نمود و بعد از غماز مبارزه خونین، اگرچه استبداد محمد - علی شاهی رخت بر بست و شاه جدید با پذیرش فرمان مشروطیت بر سر کار آمد، اما این یار دیگر رهبران مشروطیت دست کمسی از طرفداران استبداد نداشتند و هدفی جز تئیی ساختن آن از مضمون واقعی خود را دنبال نمی کردند. خلق توده ها به بندوبست با امپریالیستها و سکوت گذاردن هرگونه اصلاحات اجتماعی که بتواند تغییر در شرایط زندگی توده ها بدهد، تنها کاری بود که مشروطیت به انجام آن بعد از سقوط محمدعلی شاه کمر همت بست. با این همه

ارتجاعی که تحت پوشش مشروطیت برار بیکه قدرت داشته بود موفق به دفن کامل انقلاب اجتماعی نگشت، ولی شکست آن را منجر ساخت. نیروهای انقلابی را خلق اصلاح نمود، روزنامه ها را تعطیل کرد، و سر برآستانه این با آن امپریالیست سائید و توده های دهقانی را سرکوب کرد. بسیاری کودتای پلیس به ریاست بفرم خان آخرین بقایای جود مکرانیک را نیز از بین برد.

دولت بعد از فتح تهران در حقیقت آنچه را که استبداد فتح کرده بود، تحکیم کرد و درست آنچه را که توده ها به چنگ آورده بودند، زیر ضربات خرد گنبد خود برد، ارتجاع حاکم اهداف واقعی انقلاب مشروطیت را مورد یورش قرار داد و به نام مشروطه و در لباس مشروطه، ارتجاع شکست خورده را زنده کرد و زمینه های شکست آن را فراهم نمود. انقلاب مشروطه به عنوان نقطه عطفی در مبارزات توده های

کشورمان، علیرغم شکست خود، انقلاب عظیمی در تمامی وجوه زندگی اجتماعی ایجاد نمود و تاثیرات شگرفی در تحولات بعدی برجای گذارد و مسیر آینده مبارزات انقلابی خلقهای سراسر ایران را روشن ساخت، اهداف انقلاب مشروطیت، در وجه اساسی خود هنوز هم برقرار است. قطع سلطه امپریالیسم و از میان برداشتن قطعی و انقلابی نظامات قرون وسطائی، هنوز هم جزو اساسی ترین خطوط برنامه ای جنبش کنونی است و به همین لحاظ نیز انقلاب مشروطیت پیشینه

تاریخی بلاواسطه انقلاب امروز ایران است. اما این امر ناخسیر پیرونده تاریخ مبارزات طبقاتی از انقلاب مشروطیت تا به امروز نیست، امروز این مبارزه ابعاد بسیار پیچیده و بفرنجی به خود گرفته است، و هر روز بیشتر از پیش در مسیر پیشرفت و ترقی گام گذارده است و روندهای عمومی مبارزه طبقاتی روبه تکامل نهاده و ضعف های اساسی انقلاب مشروطیت در گوران تجربیات خونین و در خاکستر شکست های گذشته مدفون گشته است.

از کجا باید...

از صفحه ۲۰

املی حرکت توده ها را تشکیل میدهد، هم خوانی از خود نشان دهد و در جهت فرمایشات انرژ و توان را دیگال جنبش کنونی و یا گانالیزه کردن آن در مسیرهای انحرافی حرکت نماید، به سرعت در میان توده ها منزوی خواهد گشت. این امر نه تنها جنبش کنونی را تضعیف خواهد ساخت بلکه آن را قدرتمندتر از پیش نیز خواهد نمود.



توضیح و تمحیص:

درجای طرح برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شماره ۱۹ ریگای گهل، برخی جا افتادگی ها و اشتباهات وجود دارد که بدین وسیله تمحیص می گردد.

مفحه	ستون	سطر	متن اصلاح شده
۱۳	اول	۲۶	مبنای برای وحدت عمل حزبی ارائه دهد.
۱۵	اول	۲۸	به وسائل تولید و مبادله
۱۶	دوم	۳۳	و همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا
۱۷	سوم	۲۳	ع- ممنوعیت استخدام ...
۱۷	سوم	۲۲	دوماه قبل و دوماه بعد از ایام
۱۷	سوم	۵۳	حقوقی معادل

شماره دوم

نگاهی

به عملیات یک ماهه پیشمرگان

از صفحه ۲۴

داخل شهرهای کردستان و کنترل جاده ها و آمار کشته و تلفات رژیم (که در این ماه بیش از ۱۱ تن از فرماندهان مزدور رژیم به هلاکت رسیده اند) اسیر شدن، خلق سلاح پایگاه ها و غنائیم بدست آمده و پیوستن فریب خوردگان بسط پیشمرگان و ... هر چه بیشتر فزونی یافته، که خود گویای وسعت عظیم و تداوم قدرتمند جنبش انقلابی خلق کرد است.

جدول زیر بیانگر و نشان دهنده واقعی این تداوم عظیم می باشد:

آمار این جدول عمدتاً از رادیوهای حزب دمکرات و کوهله برگرفته شده است.

(۲۷ تیر ماه تا ۲۷ مرداد ماه)

تحرك و فعالیت بی نظیر پیشمرگان در به کارگیری و اتخاذ تاکتیکهای جدید و تجربیات به دست آمده در طول این پنج سال گذشته در به کار بست جنگ پارتیزانی و عملیات پی در پی و جسورانه و برق آسا، ضربات کاری بر پیگیر دشمن، مقاومت و اعتراضات دسته جمعی توده ها، تسلیم ناپذیری آنها و مقاومت در مقابل تسلیم اجباری، مقاومت در برابر سیاست سر باز گیری اجباری، ایستادگی و پایداری توده های خلق زحمتکش در مقابل توپ و خمپاره باران ها، همه و همه ... دشمن را به شدت زبون و ناتوان ساخته و ترس و هراس را بر پای رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته، و عجز و زبونی آنرا به نمایش گذاشته است.

نگاهی به جدول عملیات یک ماه پیشمرگان قهرمان و دلیر کردستان خود بیانگر بی اساس بودن ادعاهای رژیم در کردستان می باشد. طی این ماه تنها جماعت پیشمرگان، کمین گذاری، مقابله در برابر یورشهای رژیم، عملیات

اراده و ایمان بولادین و تزلزل پذیر این خلق قهرمان و تضمین جبروزی قطعی مبارزه او علیه رژیم ضد خلقی می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب این جنبش و نابودی این جنبش و نابودی این سنگر سرخ انقلاب، از هیچ چیز رویگردان نیست، و شیوه های ضد خلقی و ارتجاعی را در این رابطه به کار گرفته، طی این ۵ سال با یورشهای بیوقفه به کردستان و سرکوب عریان و ایجاد جو ترور و خفقان و سر باز گیری اجباری، مسلح کردن اجباری توده های زحمتکش خلق کرد، یورش به روستا ها و اذیت و آزار و دستگیری اهالی بی دفاع، توپ و خمپاره باران روستا ها و به آتش کشیدن محصولات و مسزارع زحمتکشان و شهید کردن اهالی بی دفاع و ... و با تبلیغات بی اساس و دروغین تلاش کرده است و انمود کند که بر کردستان انقلابی تسلط و کنترل کامل دارد و نیرو های سیاسی را قلع و قمع نموده است.

غنائیم بدست آمده

۱۹۱	جنگ افزار انفرادی
۲۳۵	انواع نارنجک
۱۲	بیسیم
۳۲۷۱۸	انواع فشنگ
۱۴	گلوله آرمپی جی
۳۱	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۲	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۳۵	پیوستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۱۷۶۲	کشته و زخمی دشمن
۶۷	اسرای دشمن
۱۲۴	خودرو منهدم یا مصدوم شده
۶	سلاحهای منهدم شده
	میعات منهدم شده ۸ صندوق یک انبار
۴۶	شهیدای پیشمرگه
۳۷	اهالی بی دفاع

عملیات پیشمرگه

۸۶	کمین و کنترل جاده
۳۹	مین گذاری
۵۵	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۶	حمه بد مراکز رژیم در شهرها
۲	خلع سلاح پایگاه
۲	مصادره و انهدام تاسسات
۵۳	حمه به پایگاهها
۲۵۳	جمع

برخی ملاحظات

کومله :

منزل دیروز

راه حل امروز

اخیراً گویا کومله با مشکل جدیدی روبه روبرو شده است - هر چند چنانچه جدید هم نمی تواند باشد - مشکل "تبلیغ جهانیست" - کومنیستی در میان دهقانان کردستان و ملینان او، "اعتبار سارزانی کومله" را "وثیقه" تبلیغ غیر اصولی" خواند - نموده اند، و از این امر در روح و مذا پاست که این ملینان اعلام موضع در قبال توده ها را بدون توجه به ذهنیت و موقعیت عینی و اجتماعی آنها جایگزین "تبلیغ کومنیستی" کرده اند، بدین وسیله احساس حقارت، مورد توهین واقع شدن، ناتوانی و خرقتی را در مخاطبین خود دامن زده، مثلاً "در مورد مذهب شما شیوه تبلیغ خود، "دقیقاً" بهترین زمینه روحی پذیرش ما و راه طبیعی و پخته بردن به مذهب را فراهم آورده اند و با خوشبینی "به جای نشان دادن حقانیت عقاید خود"، "به جای تلاش برای اقتناع مخاطب"، "به سوال پیچ کردن مخاطب و نشان دادن اشواق قضاوتی منطقی و فلسفی در یک حلقه ساده مخاطب پرداخته اند. و در برابر خورد دیگر که گویا با این شیوه در بهترین حالت "تنها" موفق شده اند مخاطب را با لغوه ساکت کنند و او را وادار به "بیان داشتن" نمایند. احدی کومه ها از پیشرو دوره جدید شماره ۲۰ مقاله نگاتی بیامون تبلیغ کومنیستی - ملینان کومه له - جنبین شیوه تبلیغی و هر چیزی را به نام "کومنیسم" تبلیغ کرده اند، (در صفحه ۷۰)

گرامی باد یاد

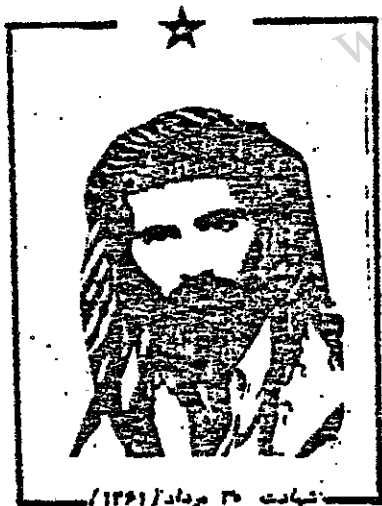
بیشمرگان دلیر فدائی رفقا انور اعظمی و جواد کاشی

انور اعظمی یکی از ارزنده ترین رفقای سازمان پیشمرگه آگاه و بیقرار، فرزندان راستین خلق کرد، یار و دلسوز کارگران و زحمتکشان، مبلغ ورزیده و بی نفوذ، عضو سازمان عضو کمیته کردستان و مسئول سیاسی تشکیلاتی پیشمرگان فدائی بعد از ۶ سال پشنگار و پیگیری در مبارزه در جبهه درگیری و خلع سلاح گروهان فریت پایگاه "حر" ستر برادر ترکش راکت هلی کوپترهای ارتش سرکوبگر بعد از سه روز مقاومت و دست و پنجه نرم کردن با مرگ با ایمان به کومنیسم و عشق صمیمی به آرمان والای کارگران و زحمتکشان در میان جمیع رفقای قهرمانان به شهادت رسید.



شهادت ۲ شهریور (۱۳۶۱)

جواد کاشی، پیشمرگه - رزمنده، یکی از مدافعان خستگی ناپذیر آرمان کارگران و زحمتکشان که با کوهت و بیست خود زجر و درد توده ها را لمس کرده بود و با شور و شوق انقلابی و فداکاری ناپذیر به صفوف پیشمرگان فدائی پیوست و برای ریشه کن ساختن ستم و استثمار و رسیدن به آزادی، دیکراسی و سوسیالیسم به مبارزه برخاست. او سبیل فداکاری، متانت و صداقت و انضاط و جدیت کومنیستی و مسئول و فرمانده نظامی دسته های عملیاتی پیشمرگان فدائی و کاندیدای عضویت در سازمان بود که در سردی سخت و قهرمانانه در حالیکه با کینه و نفرت سینه دشمن را نشانه می رفت، آماج رگبار مزدوران قرار گرفت و به شهادت رسید.



شهادت ۳۰ مرداد (۱۳۶۱)

خلق کرد پیروز است

نگاهی به عملیات یک ماه پیشمرگان

خلق زحمتکش کرد، در راه آرمان انقلابی خود با قهرمانی و از خود گذشتگی های بی نظیر، با شرکت در نبردهای خونین و با حمایت بی دریغ از فرزندان دلیر خود، پیشمرگان قهرمان کردستان حماسه ها آفریده است که بسیار نگر در صفحه ۳۳

سازمان جبهه ملی ایران، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق